

بازتاب طبیعت و محیط‌زیست در آثار احمد رضا احمدی از منظر نقد بوم‌گرا

مریم قدیمی فردزنجان^۱، مریم مجیدی^۲، زهرا قرقی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

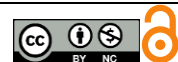
۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: maryammajidi@iau.ac.ir

چکیده

شعر هنری والاست که از دیرباز با طبیعت پیوند داشته و شاعران، هنرمندانی هستند که از سرمایه‌های طبیعی همواره بهره برده و به فراخور هنجارها و متناسب با دنیای خود از قابلیت‌های آن بهره‌مند گشته‌اند. هم‌چنین زبان بازتاب‌دهنده طبیعت و عناصر آن در شعر، ویژگی‌هایی دارد که برخی از آن‌ها موضوع نقد بوم‌گراست. نقد بوم‌گرا ارتباط طبیعت و فرهنگ و ساخته‌های فرهنگی زبان و ادبیات را مورد بحث قرار می‌دهد. این پژوهش کیفی، از نظر هدف بنیادی و با روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای خوانش آثار احمد رضا احمدی انجام شده است. به منظور تحلیل و تبیین از کتاب‌های معتبر در این زمینه، کتابخانه الکترونیکی، سایت‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع و از نظرهای اساتید زبان و ادبیات فارسی استفاده شد. داده‌ها و نمونه‌ها بافیش برداری از متن اشعار و داستان‌های احمدی استخراج گردیده، سپس به تحلیل داده‌ها و نمونه‌ها بر مبنای نقش طبیعت بر پایه نقد بوم‌گرا، پرداخته شد. یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده توجه به طبیعت و محیط‌زیست در ادبیات معاصر فارسی با توجه و تأثیر از بوم، در اشعار احمدی مشهود است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که مضامین بوم‌محور، همچون احترام به عناصر طبیعی، ترویج مهربانی با حیوانات، حفظ زیبایی‌های طبیعی و انتقال مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی به نسل آینده، جایگاهی محوری در آثار احمدی دارند. طبیعت در آثار وی، پناهگاهی برای آرامش، آموزگاری برای خرد و همراهی برای رسیدن به رهایی و امید است. احمدی از نمادها و عناصر طبیعت، گاه در معنای واقعی و گاه در معنای غیرواقعی و مجازی استفاده کرده است؛ اما در همه حال به گونه‌ای تأثیرگذار و غیرمستقیم با بهره‌گیری صنایع ادبی همچون تمثیل، استعاره، صور خیال، هنجار گریزی، ابهام، آشنایی‌زدایی و... مخاطب را به احترام و حفاظت از محیط‌زیست فراخوانده است.

کلیدواژگان: طبیعت، محیط‌زیست، نقد بوم‌گرا، احمد رضا احمدی.



شیوه استناددهی: قدیمی فردزنجان، مریم، مجیدی، مریم، و قرقی، زهرا. (۱۴۰۵). بازتاب طبیعت و محیط‌زیست در آثار احمد رضا احمدی از منظر نقد بوم‌گرا. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴ (۳)، ۱-۲۸.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۰ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۷ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

The Reflection of Nature and the Environment in the Works of Ahmad Reza Ahmadi from an Ecocritical Perspective

Maryam Ghadimi Fardzanjani¹, Maryam Majidi^{2*}, Zahra Ghoroghi²

1. PhD Student in Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

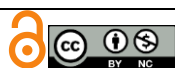
2. Department of Persian Language and Literature, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: maryammajidi@iau.ac.ir

Abstract

Poetry is a distinguished art form that has long been closely connected with nature, and poets are artists who have continually drawn upon natural resources and, in accordance with prevailing norms and the characteristics of their own worlds, have benefited from nature's diverse capacities. Moreover, the language through which nature and its elements are represented in poetry possesses particular features, some of which constitute the subject matter of ecocriticism. Ecocriticism examines the relationship between nature and culture, as well as the cultural constructions manifested in language and literature. This qualitative study is fundamental in terms of purpose and was conducted using a descriptive-analytical method based on a close reading of the works of Ahmad Reza Ahmadi. For the purposes of analysis and interpretation, authoritative books in the field, electronic libraries, websites, articles, and theses related to the subject were consulted, along with the views of scholars in Persian language and literature. The data and samples were extracted through systematic note-taking from the texts of Ahmadi's poems and stories and were subsequently analyzed on the basis of the role of nature within an ecocritical framework. The findings of this study demonstrate that attention to nature and the environment, as well as the influence of ecological context on contemporary Persian literature, is clearly evident in Ahmadi's poetry. The results further indicate that ecologically oriented themes, such as respect for natural elements, promotion of kindness toward animals, preservation of natural beauty, and the transmission of environmental responsibility to future generations, occupy a central position in Ahmadi's works. In his writings, nature serves as a refuge for tranquility, a teacher of wisdom, and a companion in the pursuit of liberation and hope. Ahmadi employs natural symbols and elements sometimes in their literal sense and at other times figuratively and metaphorically; nevertheless, throughout his works, he effectively and indirectly encourages readers to respect and protect the environment through the use of literary devices such as allegory, metaphor, imagery, deviation from linguistic norms, ambiguity, defamiliarization, and other stylistic techniques.

Keywords: *Nature, Environment, Ecocriticism, Ahmad Reza Ahmadi.*



How to cite: Ghadimi Fardzanjani, M., Majidi, M., & Ghoroghi, Z. (2026). The Reflection of Nature and the Environment in the Works of Ahmad Reza Ahmadi from an Ecocritical Perspective. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(3), 1-28.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 March 2026

Revise Date: 29 August 2026

Accept Date: 07 September 2026

Initial Publish: 07 September 2026

Final Publish: 23 September 2026

مقدمه

بازنمایی طبیعت در شعر فارسی موضوعی محوری و ماندگار است که قرن‌ها سنت ادبی را در بر می‌گیرد. از قصیده‌های باستانی تا اشعار شاعران امروزی، شاعران پارسی‌گوی، جهان طبیعت را با شکوه و پیچیدگی آن، ارج نهاده و به آن اندیشیده‌اند. شیوه‌های نمایش طبیعت در شعر فارسی شامل ابعاد نمادین معنوی و زیبایی‌شناختی است که شاعران برای بیان ارتباط ژرف خود با محیط از آن‌ها استفاده کرده‌اند. شاعران فارسی‌زبان، برای تداعی زیبایی، قدرت و گذرا بودن طبیعت با به‌کارگیری استعاره‌ها و تصاویر، می‌کوشند بیانگر تأثیر ژرف جهان طبیعت بر تخیل شاعرانه در ادبیات فارسی باشند (۱).

«کلام بزرگان و سروده‌های شاعران خوش‌سخن پارسی از دیرباز سرشار از بازنمایی لطافت طبیعت بوده و بخش مهمی از شکوه

صنایع ادبی به‌کارگرفته‌شده در شعر پارسی را، می‌توان وام‌دار پدیده‌ها و عناصر طبیعی دانست» (۲). پاسداشت محیط‌زیست و احترام به عناصر طبیعی چهارگانه و آسیب نرساندن به گیاهان، جلوگیری از آلوده ساختن آب‌وهوا، از دیرباز در میان بسیاری از اقوام و ملت‌ها رایج بوده است. درواقع، پاسداشت طبیعت در میان ملت‌ها، ریشه در فرهنگ‌ها و تمدن‌های کهن دارد. ازاین‌رو، داستان‌ها و شعرهای بسیاری را می‌توان در میان تمدن‌های باستان و تمدن امروزه یافت که گویای نگرش محیط‌زیست‌مدارانه به زندگی و احترام به عناصر طبیعی به‌عنوان نعمت‌های خداوند بوده است (۳). با توجه به آنچه گذشت، می‌توان سیر طبیعت‌گرایی در شعر فارسی را در قالب نمودار زیر ترسیم کرد:



شکل ۱. سیر طبیعت‌گرایی در شعر فارسی (منبع: با تلخیص برگرفته از (۴))

طبیعت را به خاطر نفس ارزشمندی آن پاس دارد. طبیعت سرمایه‌ای نیست که تنها از آن برداشت و ستاند، بلکه باید به

در تاریخ اساطیر و حماسه‌های ایران، انسان ایرانی بخشی جدانشدنی از طبیعت و محیط‌زیست به شمار می‌رفته و می‌بایست

طبیعت باز پس داد و با آن همزیستی، هماورزی و همکاری کرد. نیاکان آریایی ما در فلات نجد، جلوه‌های طبیعت را ستایش می‌کرده‌اند. آن‌ها با استعاره‌ها و شعرهای لطیف و نمادین، طبیعت را ستوده‌اند و همواره پرستار طبیعت بوده‌اند (5).

از طرفی نقد بوم‌گرا دیدگاهی میان‌رشته‌ای است که می‌توان به‌وسیله آن نگرشی تازه با ملاحظات زیست‌محیطی به آثار ادبی داشت. هرچند بعضی از گونه‌های ادبی مثل نوشتار طبیعت و فاجعه‌نوشت‌ها در این نقد بیش‌تر مورد توجه واقع می‌شوند، اما نقد بوم‌گرا تمام آثار ادبی را در طول تاریخ دربرمی‌گیرد و در این میان طبیعت، جایگاه ویژه‌ای دارد. بررسی چگونگی بازتاب محیط‌زیست در شعرها و داستان‌ها در طول تاریخ ادبیات، نقش شرایط محیطی در شکل‌گیری آثار ادبی، تلفیق و پیوند میان مطالعات ادبی و گفتمان زیست‌محیطی و بررسی برجستگی نقش مکان و موقعیت در آثار ادبی از موضوعات این نقد بوم است (6).

می‌توان گفت نقد بوم‌گرا که از اواخر قرن بیستم و در مغرب‌زمین ظهور یافته، بیش‌تر به نگرانی‌های زیست‌محیطی نویسندگان و پژوهشگران می‌پردازد و میزان و کیفیت توجه آن‌ها به چنین مسائلی را در آثارشان واکاوی می‌کند. منتقدان و پژوهشگران ایرانی نیز با درک بحران‌های زیست‌محیطی و با هدف بیان خوانشی نوین و کارآمد از آثار داستانی معاصر به مطالعه اشعار و داستان‌های کوتاه معاصر فارسی پرداخته‌اند که حاصل کارشان گاهی با دستاورد و گاه با کاستی‌هایی همراه بوده است (7).

از این‌رو، با افزایش بحران‌های زیست‌محیطی و در پی آن، گسترش نگرانی‌ها در این مورد، گرایش‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی حفاظت از محیط‌زیست با عنوان کلی «نقد بوم‌گرا» ایجاد شد و به‌تدریج، تحت عنوان «بوم‌گرایی» و «جنبش سبز» به عرصه هنر و ادبیات نیز راه یافت. نقد بوم‌گرا که پاسخی به ضرورت حضور و تداوم به‌ویژه در داستان و رمان بود، در دو دهه اخیر، جنبش‌های

زیست‌محیطی در عرصه ادبیات توجه منتقدان و نویسندگان ایرانی را به خود جلب کرد (6).

بدیهی است نقد بوم‌گرا، ریشه بسیاری از مشکلات محیط‌زیست را در فرهنگ جوامع جست‌وجو می‌کند. رفتارهای ناهنجار انسان‌ها با طبیعت، بیانگر این نکته است که آن‌ها، فرهنگ استفاده از منابع طبیعی و امکانات زیست‌محیطی و همچنین شیوه زیستن مسالمت‌آمیز با طبیعت را نیاموخته یا درونی نکرده‌اند؛ از سوی دیگر، فرهنگی که آموخته یا دریافت کرده‌اند با زیستن در آغوش طبیعت، همخوانی ندارد. شوربختانه بعضی از انسان‌ها نمی‌دانند چرا باید از طبیعت محافظت کنند؛ در نتیجه، در این زمینه دغدغه‌ای نیز ندارند. تقویت دغدغه زیست‌محیطی امری مهم است و افزایش تعداد افراد دغدغه‌مند در این حوزه به ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی کمک خواهد کرد. البته برای جلوگیری از بروز بحران‌های زیست‌محیطی، همکاری مردم و دولت‌ها لازم است (7).

باید گفت شعر فارسی معاصر با ادامه سنت طبیعت‌گرایی شعر کلاسیک، اما با کارکردی متفاوت و نمادین، به بیان مفاهیم اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی می‌پردازد. تحولات اجتماعی پس از انقلاب مشروطه و گسترش بحران‌های محیط‌زیستی مدرن چون تخریب منابع طبیعی، شهرگرایی و قطع پیوند با زیست‌بوم، باعث شکل‌گیری حساسیت زیست‌محیطی در شعر معاصر شده است. احمدرضا احمدی با نگاهی سورئالیستی و زبانی نو، از طبیعت برای بازسازی فضاها و ذهنی و عاطفی بهره می‌گیرد و نگران گسست رابطه انسان و طبیعت است. تحلیل شعر او نشان می‌دهد که عناصر طبیعی در آثارش تنها ابزار زیبایی‌شناختی نیستند، بلکه حامل معنایی انسانی، هشداردهنده و آموزنده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر بازتاب طبیعت در آثار احمدی، به پیوند میان شعر، بحران‌های محیط‌زیستی و تحولات اجتماعی معاصر نوری

تازه می‌افکند و جایگاه ادبیات را در تقویت آگاهی زیست‌محیطی برجسته می‌سازد.

محیط‌زیست به دلیل اهمیت حیاتی آن، همواره مورد توجه بوده است. در دوره معاصر و با ظهور تجدد، پیشرفت‌ها و فناوری‌های آن، شاهد چالش بزرگ بحران محیط‌زیست هستیم. محیط‌زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین بشر است که چالش آن از پیشرفت دانش و فناوری، رشد بی‌رویه صنایع و فعالیت‌های توسعه کنترل‌نشده، افزایش جمعیت کره زمین و تغییر الگوی مصرف در جهان گرفته تا حفاظت از آن که یکی از مهم‌ترین مسائل امروزه شمار می‌آید (8).

بشر اولیه از چهار ابزار برای سروری بر طبیعت یا کنترل آن استفاده می‌کرده است: اسطوره، شعر، موسیقی و دین. این سروری که ریشه در ترس از مرگ به دست طبیعت دارد، طبیعی است که خود را در اشعار معاصر و نیز فولکلور هم نشان می‌دهد. از این رو، طبیعت در شعر احمدرضا احمدی، سیمین بهبهانی، هرمز علی‌پور، اکبر اکسیر، عباس عبادی، هوشنگ چالنگی و... حضور انکارناپذیری دارد. می‌توان گفت که طبیعت همواره در شکل‌های مختلف، قسمتی از هویت انسان ایرانی بوده است (9).

در این راستا می‌توان گفت که محیط‌زیست در متون نظم و نثر فارسی که آینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت ایرانی ماست، در توصیف زیبایی از طبیعت و گیاه جلوه‌گری می‌کند. البته بخشی از توصیف طبیعت در شعر شاعران به مثابه توصیف غیرطبیعت است و در شعر فارسی تنها نمونه‌های اندکی توصیفی واقعی از طبیعت ارائه شده است. لذا رویکردی نو و بوم‌گرایانه به طبیعت که متناسب با نیاز جوامع متمدن امروزی است، در این زمان ضرورت می‌یابد و توصیف طبیعت در شعر شاعران که در آن همه پدیده‌های طبیعت زیبا و ارزشمندند، می‌تواند به بهبود رابطه انسان و محیط‌زیست کمک کند (6).

از نگاه دیگر، طبیعت از همان آغاز، ذهن بشر را به چالش و تفکر درباره چیستی و چگونگی خود واداشته است. شاید به همین دلیل باشد که نخستین فلاسفه یونان را طبیعت‌گرا می‌دانند. آن‌ها به چشم خود می‌دیدند که تغییراتی در طبیعت صورت می‌پذیرد، اما چگونگی بروز این تغییرات، برای آن‌ها مبهم بود (10). اهمیت و ضرورت انجام پژوهش به دو دلیل است، یکم آن‌که: تاکنون پژوهشی با موضوع بازتاب طبیعت و محیط‌زیست در آثار احمدرضا احمدی از منظر نقد بوم‌گرا انجام نشده است. دوم آن‌که از آغاز قرن بیستم تاکنون، فعالیت‌های انسانی سبب آسیب جدی به محیط‌زیست شده و تغییرات سریع در سطح جهانی و ملی منجر به بهره‌برداری بی‌رویه جنگل، زمین، سوخت‌های فسیلی و منابع آب شده است، به نحوی که به دلیل استفاده نابخردمندانه و نامسئولانه، این منابع در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی تخریب و کاهش یافته است و از پیامدهای آن مشکلات زیست‌محیطی مختلف مانند گرم شدن کره زمین، آلودگی هوای شهرها، کمبود آب و... شده است، از آنجایی که تاکنون پژوهشی با این موضوع انجام نشده است، اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش به‌خوبی روشن می‌شود. با توجه به آنچه که گذشت، این پرسش‌های اساسی وجود دارد که طبیعت و زیست‌بوم تا چه اندازه در آثار احمدی بازتاب یافته‌اند و دغدغه‌های زیست‌محیطی این شاعر معاصر کدام است؟

پیشینه پژوهش

در باب پیشینه این جستار پژوهشی به‌صورت مستقل صورت نگرفته است؛ اما در زمینه محیط‌زیست و طبیعت و نقد بوم‌گرا پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به مواردی اشاره کرد: بابائی مزرعه‌نو و مظفری (11) در مقاله‌ای با عنوان «تجربه زیسته و حضور طبیعت در شعر احمدرضا احمدی» نتیجه می‌گیرد که احمدی از زبان برای انتقال حس‌ها و تجربه‌های درونی خود

استفاده می‌کند و طبیعت و تصویرهای شعری بازتابی از تجربه‌های زیسته و احساس شده او هستند.

حیدری تمرآبادی و همکاران (7) در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر کاربست نقد بوم‌گرا در داستان کوتاه فارسی» که به شیوه انتقادی انجام شده، نتیجه می‌گیرد که: نبود برداشت صحیح از نقد بوم‌گرا، نبود نگرش عمیق به مسئله محیط‌زیست در میان نویسندگان و منتقدان، بی‌توجهی به بینارشته‌ای بودن این شیوه از نقد و... از آسیب‌های کاربست رویکرد نقد بوم‌گرا در ادبیات داستانی معاصر است.

بازدار و همکاران (1) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی طبیعت در شعر فارسی» با بررسی استعاره‌ها و تصاویری که شاعران فارسی‌زبان برای تداعی زیبایی، قدرت و گذرا بودن طبیعت به کار گرفته‌اند، می‌کوشد تأثیر عمیق جهان طبیعت را بر تخیل شاعرانه در ادبیات فارسی روشن کند.

شهبازی (12) در تحلیل رمان اهل غرق منیر روانی‌پور، با تأکید بر نقش فعال طبیعت در روایت، به بازتاب روابط دوسویه انسان و طبیعت پرداخته و نشان می‌دهد که دریا به‌عنوان بخشی از زیست‌بوم جنوب، در تکوین شخصیت‌ها و پیشبرد روایت نقشی کلیدی دارد.

طاووسی (9) در کتاب اندوه خاک: محیط‌زیست در شعر معاصر ایران را با هدف بررسی حقوق طبیعت در آثار ادبی و تأثیر طبیعت، اقلیم و... بر نوع نگاه و طرز نوشتن آثار ادبی نوشته شده است. از نگاه وی در بازتاب زیست‌بوم شعر شاعران معاصر، طبیعت همواره بخشی از هویت انسان ایرانی بوده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نقد بوم‌گرا به‌عنوان رویکردی نو در ادبیات فارسی گسترش یافته، اما هنوز در مورد برخی شاعران مانند احمدرضا احمدی، پژوهش و بررسی مستقلی صورت نگرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش کیفی، از نظر هدف بنیادی و با روش توصیفی-تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای بر مبنای خوانش داستان‌ها و اشعار احمدرضا احمدی انجام شده است. به‌منظور تحلیل و تبیین از کتاب‌های معتبر در این زمینه، کتابخانه الکترونیکی، سایت‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش و بهره‌گیری از نظرهای اساتید زبان و ادبیات فارسی استفاده شد. داده‌ها و نمونه‌ها با فیش‌برداری از متن اشعار و داستان‌های احمدرضا احمدی استخراج گردیده، سپس به تحلیل داده‌ها و نمونه‌ها بر مبنای نقش طبیعت بر پایه نقد بوم‌گرا، پرداخته شد.

چارچوب‌های نظری

ادبیات بومی‌گرا

ادبیات بومی، ادبیاتی اصیل و قومی است خاص یک منطقه و اقلیم، در برابر فرهنگ کلی و عام‌گرا که از یک فرهنگ خاص پیروی می‌کند. مواد اولیه این نوع ادبیات برگرفته از محیط‌زیست است و بیانگر شاخصه‌های جغرافیایی (وضعیت طبیعی و اقلیمی و...)، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (آداب‌ورسوم، زبان، فرهنگ و...) می‌باشد. بومی‌گرایی در ایران از دوره رضاشاه مورد استقبال قرار گرفت و با شعر نیما پا به عرصه شعر معاصر نهاد و به یکی از رسالت‌های اصلی شاعران مبدل شد. با رشد روزافزون جمعیت، فرهنگ‌ها به‌سرعت دچار تحول شده و در پی آن فرهنگ خاص و بکر هر اقلیم نیز دچار دگرگونی شد. شاعران بومی‌گرا با استفاده از عناصر بومی در اشعار خود به‌نوعی در برابر این دگرگونی ایستادگی می‌کنند که این امر موجب حفظ فرهنگ و هویت یک زادبوم می‌گردد (13).

ادبیات بومی شامل هر نوع ادبیاتی که توسط شاعر یا نویسنده آن اقلیم به نگارش درآید؛ می‌شود و شاعر از لهجه، افکار جمعی قوم، فرهنگ و... برای شناساندن محیط زندگی خود برای مخاطب استفاده می‌کند. «ادبیات بومی همواره در تلاش است تا بتواند اندیشه‌ها و آرمان‌های یک ملت را برای همگان نمایان کند. در این

ادبیات مفاهیم نمادین مشترکی با وقایع قوم خود و آداب و رسوم وجود دارد، همه این اشتراکات جلوه‌های زیبایی از آن اقلیم را خلق می‌کنند که در نهایت موجب ایجاد شناخت و همدلی بین مردمان این سرزمین می‌شود. می‌توان گفت که ادبیات اقلیمی بیان‌کننده نوعی از ادبیات است که شاخصه‌های جغرافیایی (آب و هوا، وضعیت طبیعی و...)، فرهنگی-اجتماعی (آداب و سنن، اعتقادات، زبان، مذهب، سابقه مبارزاتی با بیگانگان و...) و اقتصادی (کشاورزی و...) منطقه معینی را نشان می‌دهد» (14).

هم‌چنین «شعر بومی‌گرا، به نوعی از شعر اطلاق می‌شود که بیانگر ویژگی‌های اقلیمی، آداب و رسوم، سنت‌ها، باورها، فرهنگ عامه، زبان و لهجه و اندیشه‌های خاص یک قوم یا منطقه است. به‌طور کلی، هر شعری که توسط شاعری برخاسته از یک اقلیم خاص سروده شود و در آن عناصر بومی بازتاب یابد، در زمره شعر بومی‌گرا قرار می‌گیرد. شعر بومی‌گرا با نوآوری‌های نیما یوشیج وارد حوزه شعر معاصر شد و با حضور شاعرانی چون: هوشنگ ابتهاج، شفیعی کدکنی، منوچهر آتشی، احمد رضا احمدی و... به اوج رسید. در این نوع شعر، شاعر با بهره‌گیری از هنجارگریزی‌های هنرمندانه، عناصر بومی، فرهنگی و زیستی منطقه خود را در شعر وارد کرده و به آن هویت و اصالت می‌بخشد. ورود عناصر بومی به شعر نه تنها موجب آسیب به ساختار شعر نمی‌شود، بلکه باعث استحکام و غنای بیش‌تر آن می‌گردد» (15).

با توجه به آنچه گذشت، بومی‌گرایی در شعر را می‌توان از عواملی مانند توسعه زندگی شهری و آشنایی با تمدن امروز و به دنبال آن تمرکز و تجمع امکانات رفاهی و اجتماعی زندگی جدید در شهری که باعث شده انسان آن خویشاوندی سنتی خود را با طبیعت و اقلیم از دست بدهد و بسیاری از آداب و رسوم و سنت‌ها منسوخ و در نتیجه انسان از طبیعت دور شود؛ دانست. از شاخصه‌های مهم شعر بومی می‌توان به مواردی چون: استفاده از واژگان ناشناخته محلی و عمومیت دادن آن‌ها در شعر، احیای واژگان مرده یک

گویش، احیای آداب و رسوم، باورهای فراموش‌شده یک قوم، طبیعت‌گرایی، گذر از مدرنیته به سنت‌گرایی، گرایش به زبان محاوره و ساده‌نویسی و... اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های بومی‌گرایان، طبیعت‌گرایی است و طبیعت در شعر معاصر با روح شاعران به نوعی درآمیخته است (13).

البته ادبیات بومی به حکم استفاده از لهجه خاص منطقه است که به دلیل محصور بودن از نظر مکان و زمان امکان فراموشی آن می‌رود و دوام و ماندگاری این نوع ادبیات دلیل بر تداوم و استفاده آن در بین افراد آن اقلیم می‌باشد. یکی از راهکارهایی که می‌تواند یک فرهنگ بومی خاص را پویا نگه دارد؛ استفاده از آن در شعر است که ادبیات بومی این مهم را به انجام رسانده است (16).

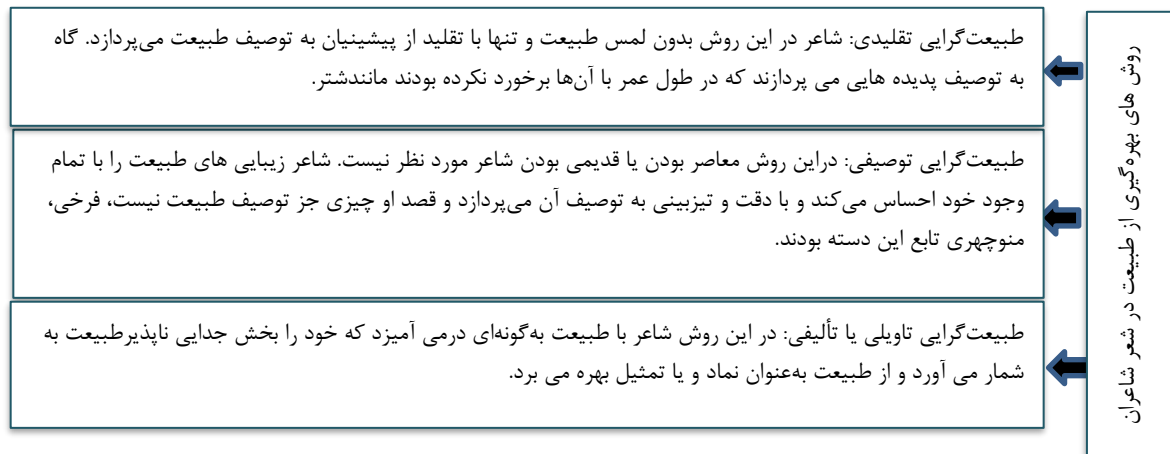
می‌توان نتیجه گرفت که بومی‌گرایی به بیان موارد خاص و عناصر تکراری می‌پردازد و همیشه در گذشته است تا بتواند خالص بودن اقلیم خود را نشان دهد و هرگونه تغییر در این شیوه، آیین‌ستیزی به شمار رفته و شاعر باید در مسیری تکراری و شناخته‌شده گام بردارد. ولی باید گفت که برخلاف کلیشه‌های رایج، بومی‌گرایی به معنی ناآگاهی از تجدد نیست، بلکه باید آن را یک پدیده مدرن دانست، زیرا پیام آن، یعنی (خودت باش)، آدمی را به اصالت توجه می‌دهد و خود، ساخته عصر مدرن است (17).

طبیعت

طبیعت از گذشته‌های دور، در فرهنگ ایرانی و آثار هنری و ادبی شاعران بزرگ از ارزش والایی برخوردار بوده است. از دیرباز وصف طبیعت و طبیعت‌گرایی در شعر شاعران اندکی نظیر منوچهری، فرخی سیستانی و... دیده می‌شود. این شاعران با استفاده از صناعات ادبی و عنصر خیال توانستند به مضامین تازه‌ای دست پیدا کنند، اما طبیعت‌گرایی از گذشته تاکنون از روی تقلید بوده و کم‌تر شاعری می‌توان یافت که بومی‌گرایی در شعرش نمایان باشد. منوچهر آتشی در این باره متذکر می‌شود که «شاعران گذشته با چشم خودشان به طبیعت نگاه نمی‌کردند و به همین سبب آن را کشف

«شعر هنری متعالی است که از دیرباز با طبیعت پیوند داشته و شاعران هنرمندانی هستند که از امکانات و سرمایه‌های طبیعی بهره فراوان برده‌اند» (19). طبیعت در بازتاب زیست‌بوم در آثار شعر شاعران معاصر، طبیعت همواره بخشی از هویت انسان ایرانی بوده است (9). شاعران در نگاه به طبیعت و بهره‌گیری از آن در شعر، سه روش متفاوت را در پیش گرفته‌اند که در قالب نمودار شامل:

نمی‌کردند. آن‌ها با عینک سنت به آن می‌نگریستند و فقط تعداد کمی از عناصر طبیعت را به‌صورت کلیشه‌ای می‌دیدند. امروزه کلیشه‌ها دیگر کارآمد نیستند. می‌توان گفت شعر گذشته ما به‌کلی از طبیعت خالی است، به همین سبب هم شاعران از طبیعت خودشان دور افتاده‌اند و به تکرار کلیشه‌ها پرداخته‌اند» (18).



شکل ۲. روش‌های بهره‌گیری از طبیعت در شعر شاعران (منبع: با تلخیص برگرفته از (18))

محیط‌زیست

مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که با هم در کنش هستند، محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات تأثیر می‌گذارند. محیط‌زیست طبیعی شامل بخشی از کره زمین است که به دست بشر ساخته نشده است. یکی از مؤثرترین راه‌های ایجاد تغییرات ماندگار و دائمی در رفتارهای هر جامعه، از طریق فرهنگ‌سازی و بومی‌سازی رفتارهای آن جامعه صورت می‌گیرد. طبیعت‌گرایی و طبیعت‌ستایی از نخستین طلیعه شعر فارسی با آن همراه بوده و به خیال‌پردازی شاعران کمک کرده است، به‌طوری‌که نخستین شاعران ایران را شاعران طبیعت می‌نامند (21).

هم‌چنین محیط‌زیست از گذشته‌های دور، در فرهنگ ایرانی و آثار هنری و ادبی شاعران بزرگ از ارزش والایی برخوردار بوده است. محیط‌زیست به‌عنوان یک نعمت الهی، بستر حیات و تأمین‌کننده

انسان از دیرباز با طبیعت رابطه دوسویه داشته است؛ رابطه‌ای که در آن، طبیعت به‌عنوان منبع آرامش و تأمین‌کننده نیازهای بشر ایفای نقش می‌کرد و در مقابل از سوی انسان مورد احترام و محافظت قرار می‌گرفت. این تعامل متقابل با طبیعت، به‌ویژه در اروپا، منجر به پیدایش مکتب «طبیعت‌گرایی» در ادبیات شد. «به همین لحاظ سمبل‌هایی که در شعر معاصر جهان کاربرد دارند، بیش‌تر از طبیعت و مظاهر آن برگرفته شده است. در شعر معاصر ایران نیز گرایش به طبیعت و تأثیرپذیری از آن بسیار دیده می‌شود. ولی این گرایش در ادبیات ایران تفاوت دارد. در اشعار گذشته فارسی، طبیعت، کلی، همانند و تکراری است با ویژگی‌هایی که اغلب از راه تجربه دیگران به‌دست‌آمده است» (20). البته در یک نگاه کلی می‌توان گفت که بخشی از توصیف طبیعت در شعر شاعران توصیف استعاره‌ای و مجازی طبیعت و درواقع توصیف غیرواقعی طبیعت است. تنها نمونه‌هایی در شعر فارسی می‌توان یافت که توصیفی واقعی از طبیعت ارائه شده است.

اصلی‌ترین نیازهای انسان محسوب می‌شود. به تعبیری، «اصطلاح محیط‌زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمامی یک سیاره و حتی به فضای بیرونی احاطه‌کننده آن نیز اطلاق نمود که به اصطلاح کره حیات یا بیوسفر نامیده می‌شود» (22). «محیط‌زیست می‌تواند محیط اطراف یک فرد، یک گونه جانوری، یک اجتماع و یا بر اشکال حیاتی دلالت داشته باشد» (23).

از سویی بحران‌های محیط‌زیست حاصل تفکر و اندیشه‌ای است که انسان را در محور و رأس جهان خلقت می‌بیند و همه‌چیز را برای او و در رابطه با نیازهای او تعریف می‌کند. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه زیست‌محور قرار دارد که طبیعت را محور همه‌چیز می‌داند. این دو دیدگاه به‌خوبی نشان‌دهنده این مسئله‌اند که انسان‌ها همان‌طور که بر طبیعت تأثیرگذارند، از طبیعت نیز تأثیر می‌پذیرند و این تأثیرات بر تفکر و ذهن آن‌ها جاری می‌شود (24). درون‌مایه اصلی اشعار زیست‌محیطی، توصیف طبیعت و عناصر آن و تأثیرش بر کار و زندگی مردم، دغدغه‌های حفظ محیط‌زیست طبیعی و شهری و مبارزه با آلودگی، صید و شکار ناآگاهانه و بی‌رویه است (25).

از آنجاکه محیط‌زیست ایران در رویارویی با خطرهای گوناگون، از جمله نابودی برخی گونه‌های جانوری و گیاهی، نابودی رودها، زیستگاه‌ها، خاک و آب می‌باشد، امروزه برخی از هنرمندان، در پی بازتاب نگرانی‌های خود نسبت به این امر، در آثار هنری‌شان هستند. بدون تردید این روحیه در ایرانی‌ها بنیادین است و تلاش شده تا فرهنگ طبیعت‌دوستی و پاسداشت آن را از ژرفای تاریخ کهن ایران که از آغاز با وجود آیین‌ها، نمادها و اسطوره‌هایی که در فرهنگ و بر پایه جغرافیای این سرزمین وجود داشته و شاهد پاسداشت و ارزشمندی طبیعت ایران باستان بوده‌ایم، بیرون کشیده شود (8).

اخلاق زیست‌محیطی، ایجاد اصولی است که بر روابط انسان با طبیعت حاکم باشد؛ یعنی مسئولیت‌های انسان برای جلوگیری از

آسیب، حفاظت در مقابل آسیب و یا پیشبرد فعالانه خیر و مصلحت. برخی اقداماتی که انسان‌ها در برابر طبیعت انجام می‌دهند و باعث تغییر چهره طبیعت می‌شود، زیرمجموعه اخلاق زیست‌محیطی قرار می‌گیرد؛ اقداماتی مانند سدسازی یا تغییر مسیر رودخانه‌ها، زهکشی تالاب‌ها یا حذف جنگل‌ها برای مقاصد کشاورزی، اقدام عمدی بشر برای تغییر محیط‌زیست محسوب می‌شود. تغییرات غیرعمدی شامل آلودگی هوا، خاک و آب است که غیرمستقیم باعث انهدام جمعیت گیاهان و جانوران می‌شود (26)، هرچند با توجه به افزایش روزافزون آگاهی بشر نسبت به برخی اثرات مخرب فعالیت‌های صنعتی بر طبیعت، نمی‌توان این اقدامات را غیرعمد دانست (12).

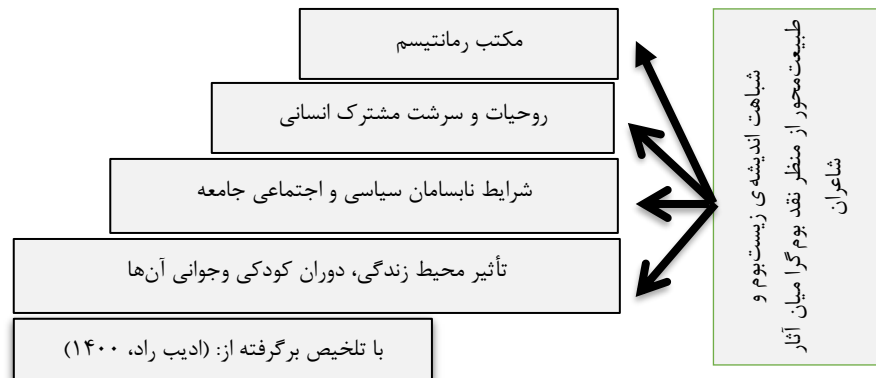
نقد بوم‌گرا

رویکرد بوم‌نقد که به بررسی رابطه میان انسان و طبیعت در ادبیات می‌پردازد. بوم‌گرایی در ادبیات بر روابط و پیوندهای میان ادبیات و جهان پیرامون و طبیعت اطراف تمرکز دارد. شاعران و نویسندگان همواره به طبیعت نگاهی متفاوت داشته‌اند و گاهی این نگاه در خلق آثار منظوم و منثور ایشان نقش مهمی را ایفا کرده است. در طول تاریخ، ادبیات چون آینه‌ای بازتاب‌کننده طبیعت بوده و از شدت نزدیکی به نظر می‌آید که این دو درهم‌تنیده شده‌اند؛ بدین معنا که ادبیات همواره رسانه‌ای بوم‌فرهنگی و بازتاب‌دهنده نیازهای بشری و طبیعی انسان در رویارویی با محیط وی بوده است (27).

نقد بوم‌گرا را می‌توان مطالعه رابطه میان ادبیات و محیط‌زیست و چگونگی بازتاب ارتباط انسان با محیط فیزیکی پیرامونش در ادبیات دانست. در این نقد، رابطه دوسویه میان شاعر یا نویسنده با طبیعت و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مظاهر طبیعی بر روح و جان آن‌ها بررسی می‌شود (28).

از سوی دیگر، اصطلاح نقد بوم‌گرا در سال ۱۹۹۶ توسط روکرت ابداع شد و واکنش دیر هنگامی بود که ادبیات در مقابل بحران

انسان با طبیعت از طریق ادبیات، فرهنگ و زبان است (6). بررسی مسائل محیط‌زیست و طبیعت در ادبیات یکی از ضرورت‌های پژوهش‌های بینارشته‌ای در عصر حاضر است. شباهت اندیشه زیست‌بوم و طبیعت‌محور از منظر نقد بوم‌گرا میان آثار شاعران، در قالب نمودار زیر نشان داده می‌شود:



شکل ۳. شباهت اندیشه طبیعت‌محور از منظر نقد بوم‌گرا در شعر شاعران (منبع: با تلخیص برگرفته از (28))

زمینه نظر اندازیم، باید متوجه باشیم که اقدام به چنین کاری فقط هنگامی منطقی و قابل دفاع است که خود از دیدگاه یکی از قهرمانان صورت پذیرد (30)؛ بنابراین، در نقد بوم‌گرا زمینه باید از دریچه نگاه شخصیت‌ها و در بستر جهان داستان تحلیل شود، نه از منظر بیرونی نویسنده.

ادب پارسی و طبیعت

ایرانیان همچون دیگر مردمان با اقلیمشان در پیوند بودند و این ارتباط در اندیشه و آثار به‌جای‌مانده از کهن بازتابیده است. ایرانیان برای گیتی و زمین و مجموعه همه جانداران روی آن روانی واحد به نام «گئوش اوروان» یا روان گیتی در نظر می‌گرفتند که برای آنان ارزش و احترام ویژه‌ای داشت (31).

بدیهی است آب، به‌عنوان مظهر آبادانی، از جایگاهی ویژه در فرهنگ و زبان ایرانی برخوردار است. این جایگاه از روزگار باستان تا به امروز استمرار یافته و در اماکن مقدس هم‌چنان حضور چشمه‌ها مشاهده می‌شود. این نگاه طبیعت‌محور را می‌توان در آیین‌هایی چون دخیل بستن بر درختان نیز دید. سه بخش از

محیط‌زیست از خود نشان داد. با وجود اینکه زمان زیادی از آن نمی‌گذرد، با استقبال خوبی از سوی جامعه جهانی روبه‌رو شده است. نقد بوم‌گرا به چگونگی بازتاب رابطه انسان و محیط فیزیکی در آثار ادبی می‌پردازد. درعین‌حال، رابطه دین، اخلاق، زبان و جنسیت با محیط‌زیست را بررسی می‌نماید. یکی از اهداف این نقد پررنگ ساختن دغدغه حفظ محیط‌زیست و اصلاح رابطه

با توجه به آثار احمد رضا احمدی، به‌ویژه داستان‌های وی، لازم است توضیحاتی در رابطه با زمینه نقد بوم‌گرا بیان شود. در ساده‌ترین تعریف، می‌توان زمینه را این‌گونه معنی کرد: «زمان و مکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد صحنه یا زمینه می‌گویند» (29). در میان عناصر تشکیل‌دهنده یک اثر ادبی، مانند هسته اصلی، شخصیت‌پردازی، زمینه، روایت و گفت‌وگو، می‌توان گفت که در نقد بوم‌گرا، عنصر زمینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. محیط‌زیست و طبیعت، به‌عنوان بخش‌هایی اساسی از زمینه یک اثر ادبی در تحلیل بوم‌گرایانه نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ چراکه رابطه دیگر عناصر داستان با این محیط، ابزار کار منتقد بوم‌گرا را شکل می‌دهد. لیدل بر این باور است که تنها دو دیدگاه اساسی درباره عنصر زمینه در رمان وجود دارد: «اگر نگاهی بیرونی به زمینه داشته باشیم، می‌باید آن را تنها تا بدان جا وارد رمان کنیم که به کار توضیح و تبیین حادثه می‌آید، درست مثل منظره در نمایش. انباشتن رمان با انبوه جزئیات، آن‌هم فقط به خاطر خودشان، کاری است ملال‌آور و نامربوط؛ اما اگر بخواهیم درون‌گرایانه به عنصر

زیباترین سروده‌های اوستا، شامل مهریشت، خورشید یشت و ماه یشت، در ستایش طبیعت سروده شده‌اند. در فروردین یشت نیز درباره تولد زرتشت آمده است: «هنگام زادن و بالیدنش، آب‌ها و گیاهان شادمان شدند، هنگام زادن و بالیدنش، آب‌ها و گیاهان بالیدند، هنگام زادن و بالیدنش، همه آفریدگان سپندمینو به خود مژده رستگاری دادند» (32). «نقش‌های به‌جای‌مانده از دوران باستان نیز شاهی بر حضور طبیعت در سطوح مختلف زندگی ایرانیان است. آب و گیاهان در تمدن ایرانی اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند و گرامیداشت آنان در فلات نیمه‌خشک ایران امری ضروری است. از پرتکرارترین نقش‌های گیاهی در ایران باستان، می‌توان به نقش‌های سرو، نخل و نیلوفر اشاره کرد» (33).

زبان، طبیعت و محیط‌زیست

بسیاری از فیلسوفان، زبان‌شناسان و بوم‌شناسان بر این باورند که محیط‌زیست، تأثیری مستقیم بر دایره واژگان و نظام زبانی هر منطقه دارد، اختلاف‌نظر میان آن‌ها در شیوه بازتاب آن در ذهن و زبان است. «دایره واژگانی هر اقلیم به سبب وجود عناصر محیطی قابل‌تمایز با اقلیم دیگر است، به‌گونه‌ای که واژگان هر زبان را نماینده محیط فیزیکی و اجتماعی گویشوران خود می‌دانند» (23). گاه این پیوند چنان پررنگ می‌شود که برخی نظریه‌پردازان، جهان را ساخته زبان می‌دانند. بااین‌حال، در نقد بوم‌گرا نیاز به نگاهی واقع‌گرایانه‌تر داریم. همان‌طور که کیت سایپر در کتاب طبیعت چیست؟ اشاره می‌کند: «این زبان نیست که سوراخی در لایه اوزونش دارد» (23). در رابطه با زبان و محیط‌زیست، دیدگاه‌ها متفاوت است. چامسکی (۱۹۶۵) زبان را در خلأ محیطی و اجتماعی بررسی می‌کند، درحالی‌که ساخت‌گرایان بر این باورند که زبان جهان را می‌سازد. چامسکی (۱۹۶۵) زبان را در خلأ محیطی و اجتماعی بررسی می‌کند، درحالی‌که ساخت‌گرایان بر این باورند که زبان جهان را می‌سازد.

از سویی، شاعر با استفاده از تأثیرات اقلیم و جغرافیا در شعر خود به گسترش حدود شعر می‌پردازد. انسان نیازمند طبیعت است تا بتواند با زبان شعر تمام تراوش‌های افکار خود را نشان دهد. طبیعت‌گرایی شاعران امروز را از گذشتگان متمایز می‌کند، شاعران امروز با تکیه بر تعاملات فردی و مشاهدات عینی خود دست به خلق و توصیف و تصویرسازی می‌زنند. برای مثال در اشعار شاعران جنوب با عوامل محیطی، آب‌وهوای شرجی، شنزار و گرمای شدید روبه‌رو می‌شویم. عوامل اقلیمی تأثیر مستقیم در شخصیت شاعر و شعرش می‌گذارد و ما برای پی بردن به افکار شاعر بایستی علاوه بر بررسی شخصیت او به بررسی محیط زندگی و عوامل حاکم در آن اقلیم نیز بپردازیم تا به یک جهان‌بینی جامع نسبت به او و اشعارش برسیم. گاهی اوقات شاعر مستقیم به توصیف مکان زندگی خود می‌پردازد، اما اغلب با توصیفاتی که در حاشیه اشعارش به آن‌ها اشاره می‌کند خود می‌تواند نمایانگر محیط و اقلیم خود باشد. ... در روزهای خوش هم گلدان را آب نداد/ بعد از ظهرها به خانه می‌آمد/ ظرف‌ها را می‌شست/ در آینه نگاه می‌کرد/ به گلدان فرصت گل دادن نداد/ فقط به خیابان رفت/ ما بعد از مرگ دوست/ گلدان دوست را به خانه آوردیم/ نام گل‌های گلدان را نمی‌دانیم/ فرصت نداشت نام گل‌ها را به ما بگوید/ در تمام عمر دوست ما/ در تمام زمین/ فقط دو سه مزرعه گندم زرد شدند (34).

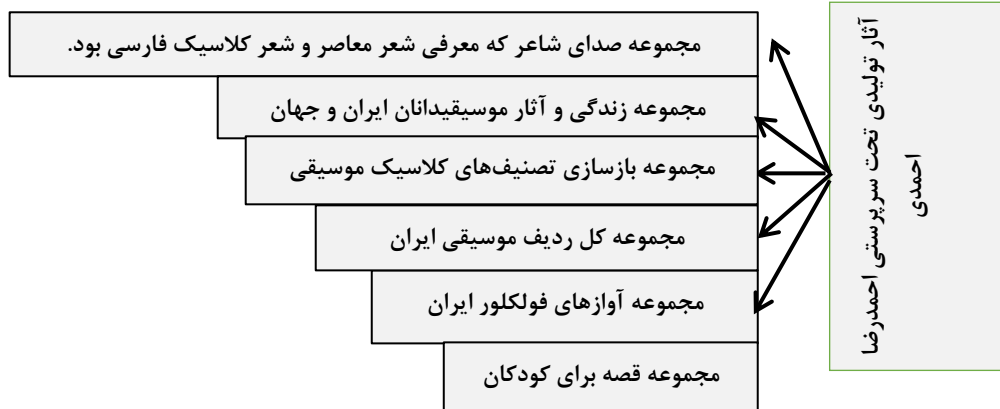
من خودم را پوشیدم/ فصل نبود/ در لباس بی‌فصل/ من تو را سراسر نبودم/ من تو بودم/ من تو را خوب گفتم
که گل‌های شمعدانی را پوشیدم/ اتاق من دیگر سفید است/ گلدان اکنون خالی است...

مرا دوست بدار گل‌دان گل می‌دهد اتاق سفیدتر می‌شود مرا دوست بدار گل‌دان گل می‌دهد اتاق سفیدتر می‌شود مرا دوست بدار... (34)

تهران به پایان رساند و وارد دارالفنون شد. احمدی چند سال به‌عنوان سپاه دانش در یکی از روستاهای کرمان به تدریس پرداخت، وی شاعر، فیلم‌نامه‌نویس، ویراستار و صدایشه معاصر است. برخی از صاحب‌نظران، او را بنیان‌گذار شعر موج نو در ایران و پیشگام سورئالیسم در ادبیات کودک می‌دانند. حضور فعال او در عرصه‌های شعر، دکلمه، ادبیات و سینما، موجب شده تا به چهره‌ای ماندگار در ادبیات و هنر معاصر ایران مطرح گردد. برخی از آثار تولیدی تحت سرپرستی وی در قالب نمودار زیر شامل:

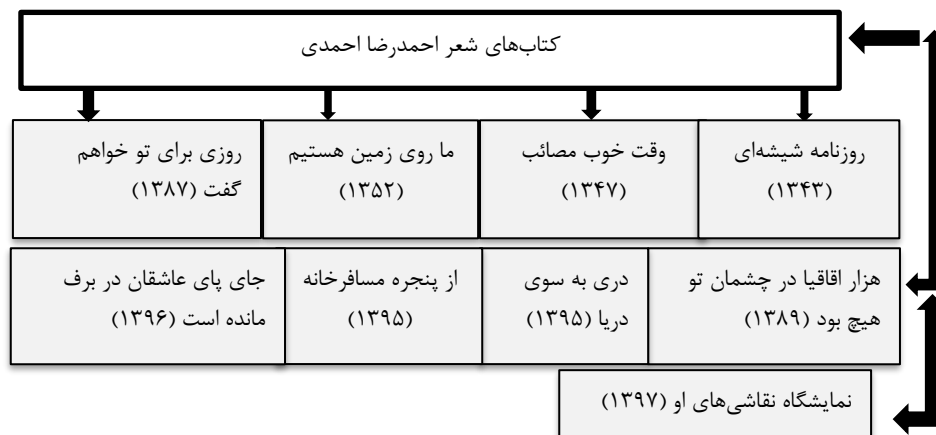
...آنچه گفتیم ماجرا نبود امروز از ریه‌های همه ما عکس می‌گیرند عکس گرفتند ظهر تابستان بود یک پزشک گفت: ریه‌های همه شما روشن است دیگری گفت: ریه‌های شما تیره است ظهر تابستان بود ما به حرف آن‌ها گوش ندادیم... (35)

احمدرضا احمدی. احمدرضا احمدی، نویسنده، شاعر، نقاش و ویراستار ایرانی ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان به دنیا آمد. سال ۱۳۲۶، پس از گذراندن کلاس اول ابتدایی، همراه خانواده به تهران نقل‌مکان کرد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس ادب و صفوی



شکل ۴. آثار تولیدی با سرپرستی احمدرضا احمدی (منبع: با تلخیص برگرفته از: (36))

احمدرضا احمدی آثار پرشماری در قلمرو شعر و هم‌چنین حوزه شعر و داستانِ کودکان دارد. از کتاب‌های شعر او می‌توان در قالب نمودار زیر نام برد:



شکل ۵. کتاب‌های شعر احمدرضا احمدی (با تلخیص برگرفته از: (36))

احمد رضا احمدی شاعر بزرگسالان و نویسنده کتاب‌های داستان کودکان، که از آغاز دهه ۱۳۴۰ کار فرهنگی خود را در گستره شعر نو بزرگسالان آغاز کرد و به عنوان شاعری از موج نو شعر فارسی داستان‌های کودکان نیز به تجربه‌آزمایی پرداخت.

در محفل‌های فرهنگی و ادبی شناخته شد، در پایان همین دهه با آشنایی با بخش انتشارات کانون پرورش فکری در زمینه داستان‌های کودکان نیز به تجربه‌آزمایی پرداخت.

کتاب‌های داستان احمد رضا احمدی					
من حرقی دارم که ققط شما پیچه‌ها یاور (می‌کنید) (۱۳۴۸)	هفت کمان (هفت رنگ) (۱۳۶۴)	(هفت روز هفته دارم) (۱۳۶۴)	تو دیگر از این یوته هزار گل سرخ داری (۱۳۶۸)	نوشتن یاران، یاران (یارید) (۱۳۶۸)	عکاس در حیاط خانه ما منتظر (یود) (۱۳۶۹)
روزهای آخر یابیز یود (۱۳۶۹)	در بهار پرنده را صدا کردیم، جواب داد (۱۳۶۹)	خرگوش سفید همیشه سفید یود (۱۳۶۹)	حوض کوچک، قایق کوچک (۱۳۷۰)	در بهار خرگوش سفید را یاقتم (۱۳۷۰)	خواب یک سیب، سیب یک خواب (۱۳۷۳)
شب یلدا قصه یلندترین شب سال (۱۳۷۶)	اسب و سیب و بهار (۱۳۸۰)	در یاغچه عروس و داماد رویده یود (۱۳۸۲)	رنگین کمانی که همیشه رخ نمی‌داد (۱۳۸۴)	روزی که مه بی‌پایان یود (۱۳۸۴)	یرق هفت گل ینفشه را یوشاند (۱۳۸۴)

نشانی (۱۳۸۴)	یسرک تنها روی یرق (۱۳۸۵)	شب روز اول و صبح روز هفتم (۱۳۸۵)	بهار یود (۱۳۸۵)	یاز هم نوشتن صبح، صبح شد (۱۳۸۶)	در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه یود (۱۳۸۹)	ناگهان چراغ‌ها روشن شدند (۱۳۸۹)
--------------	-----------------------------	--	--------------------	------------------------------------	--	---------------------------------------

شکل ۶. کتاب‌های داستان احمد رضا احمدی (منبع: با تلخیص برگرفته از (36))

دیگر کتاب‌های داستان احمد رضا احمدی					
نشانی (۱۳۸۴)	یسرک تنها روی یرق (۱۳۸۵)	شب روز اول و روز هفتم (۱۳۸۵)	بهار یود (۱۳۸۵)	یاز هم نوشتن صبح، صبح شد (۱۳۸۶)	در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه یود (۱۳۸۹)
ناگهان چراغ‌ها روشن شدند (۱۳۸۹)	قصه‌های یدریزگ (۱۳۸۹)	کیوتر سفید کنار آینه (۱۳۸۹)	عروس و داماد زیرپاران (۱۳۸۹)	یسرک دریا را نگاه کرد و گفت (۱۳۸۹)	در یاغ یازگ یاران می‌یارید (۱۳۸۷)
دیگر در خانه یسرک هفت صندلی یود (۱۳۸۹)	دخترک ماهی تنهایی (۱۳۹۰)	پروانه روی یالش من به خواب رفته یود (۱۳۹۰)	مسافران هواپیمای سفید رنگ (۱۳۹۰)	ناگهان چراغ‌ها روشن شدند (۱۳۹۰)	
سفر (۱۳۹۲)	یاران دیگر نمی‌یارید (۱۳۹۳)	این همه یادکنک‌های رنگی (۱۳۹۳)	مزرعه گل‌های آفتابگردان (۱۳۹۴)	یسرک و دوازده ماه سال (۱۳۹۵)	

شکل ۷. دیگر آثار داستان احمد رضا احمدی (منبع: با تلخیص برگرفته از: (36))

بحث و بررسی

شاعران، طبیعت را به همان گونه که هست توصیف نمی کنند، بلکه با کمک گرفتن از تخیل خود، طبیعت را آن گونه که دوست دارند وصف می کنند، از این رو هم از عهده توصیف طبیعت بهتر برمی آیند و هم در مخاطب تأثیر بیش تری می گذارند و احمدرضا احمدی یکی از شاعران نامی معاصر در این زمینه می باشد.

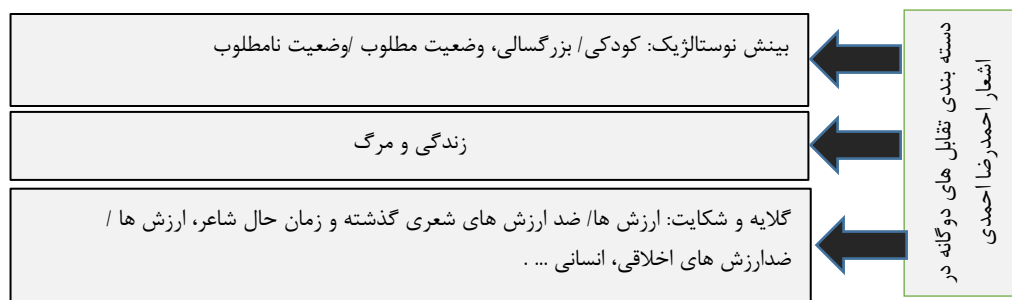
در شعر احمدی احساس ها و تجربه های شخصی شاعر قبل از واژه ها و معنا شکل می گیرند. تصاویر شعری، فقط توصیف ظاهر چیزها نیستند، بلکه حس درونی شاعر را نشان می دهند. عناصری مثل سرمای یخ، رطوبت شب های بندر، سایه درختان و حرکت اشیا در خیابان نمونه هایی از تجربه های واقعی و حسی شاعر هستند که خواننده را به فضای ذهنی و احساسی او نزدیک می کنند. به همین دلیل می توان گفت احمدی از زبان برای انتقال حس ها و تجربه های درونی خود استفاده می کند و طبیعت و تصویرهای شعری بازتابی از تجربه های زیسته و احساس شده او هستند (11).

احمدرضا احمدی، یکی از چهره های شعر دهه چهل ایران، با گذر از قالب های نیمایی و شعر سپید، به زبانی مستقل و منحصربه فرد در شعر دست یافته است. نگاه او به طبیعت نه تنها زیبایی شناختی، بلکه انتقادی، استعاری و بوم گرایانه نیز هست. احمدی با بهره گیری از عناصر طبیعت چون درخت، آفتاب، پرنده، دریا، ماه و ستاره،

مفاهیم انسانی و اجتماعی را به تصویر می کشد و در دل مناظر طبیعی، اعتراض، دل تنگی، آرمان خواهی و نوعی جست و جوی معنوی را دنبال می کند. احمدی در شعر است که باعث تعدیل معنایی به انسان و طبیعت می شود، حرکتی که با ذهن نوگرای شاعر حضوری ملموس دارد.

او بیش از پنجاه سال است که در عرصه های مختلف هنری و ادبی کشور حضور دارد و یکی از نمایندگان اصلی جریان بحث برانگیز شعر «موج نو» به حساب می آید. اگرچه شعر احمدرضا احمدی در عرصه نقد ادبی و جریان شناسی شعر معاصر به عنوان غیرمتعهد به مسائل سیاسی و اجتماعی شناخته می شود؛ ولی اگر با دقت بیش تری به شعرهای او نگریسته شود، جلوه هایی از تعهد اجتماعی آشکار خواهد شد.

هم چنین وی از شاعرانی است که با انتشار کتاب طرح در سال ۱۳۴۱ به عنوان بنیان گذار موج نو شناخته شد. تقابل های دوگانه اساس تفکر ساختارگرایی اوست. بررسی های به عمل آمده نشان می دهد که تعداد اشعاری که در گلایه و شکایت جای می گیرند، بیش از دیگر تقابل هاست. «تقابل عمده شعر احمدی، تقابل بین فرم و محتوا است؛ همان تقابل شکل های جدید موج نوی با محتوای اندوهناک» (37). در نمودار زیر تقابل های سه گانه اشعار احمدی نشان داده شده است:



شکل ۸. دسته بندی تقابل های دوگانه در اشعار احمدرضا احمدی (منبع: با تلخیص برگرفته از: (37))

بازگشت به جوهر حیات و اتصال به طبیعت به عنوان منبع بیداری و آگاهی. شعر نشان دهنده اعتراض شاعر به مفاهیم سطحی و فرمی و تأکید بر نوری درونی است که از طبیعت برمی خیزد. این نگاه،

ندانستی که گل حقیقت آفتاب است نه درخت،

در آفتاب بنشینیم تا گل کنیم... (38)

در این شعر، «گل» به مثابه حقیقتی درخشان و پنهان در نور خورشید تصویر شده است، نه در جسم درخت؛ نوعی دعوت به

با گرایش‌های بوم‌محور و طبیعت‌گرایانه هماهنگ است؛ جایی که طبیعت نه تنها پس‌زمینه، بلکه عامل بیداری و دگرگونی است.

در صبح‌ها از خود سخن می‌گفت

آنگاهی که قفس و من. انباشته از روشنایی تکاپو بودیم... (38).

در اینجا نیز، طبیعت از طریق «روشنایی» و «صبح» نمادی از بیداری درونی است و «قفس» استعاره‌ای از محدودیت‌های اجتماعی یا ذهنی است. بوم‌گرایی احمدی در این بخش نه فقط در ستایش طبیعت، بلکه در استفاده از آن برای نقد شرایط اسارت‌آمیز زندگی انسانی جلوه می‌کند.

در آخرین رفتن‌ها، بازگشت خواهد بود

در نخستین آمدن‌ها، رفتن خواهد بود... ما دو واژه خواهیم شد

در دو زبان؛ که هر دو گویای یک معناست (39).

در این شعر، باز هم نوعی هم‌زیستی استعاری میان انسان و طبیعت برقرار است. رفتن و بازگشت همچون فصل‌ها در طبیعت تکرار می‌شوند و معنا، همچون رودخانه‌ای جاری در زبان‌ها، پیوسته در حال دگرگونی است. نگاه احمدی در اینجا به جهان، چرخه‌مند، زیستی و پر از مفاهیم زیباشناسی زیست‌گرایانه است.

ابر نخستین ترانه معجزه را

بر لب‌هامان حک کرد

زبانمان را فراموش کردیم

کفش و لباسمان کهنه ماند

و ما

با بوسه

درختان را

بهار کردیم.

ا در بدبختی، سوءتفاهم بودیم... (39).

پاییز رنگ فصل خود را می‌خواهد. من صدای گلی را می‌شناختم

که قصر را درو می‌کرد. از سقف قصر پرتقال‌ها بی‌گل می‌جوشید...

... دستی از باغ به سوی گذشته می‌رفت. تا جامه عروس‌های باران را بدوزد (39).

«موج نو، شعری است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن ابهام است و از جمله کوشش‌های نوگرایانه شعر معاصر فارسی است که پس از بازاندیشی در شعر سنتی و عبور از مرزهای آن که چندین قرن به دنبال تجربه‌های جدید و کشف و شهودهای تازه، شکل ثابتی از ادبیات را ترسیم می‌کرد و به دنبال تجربه‌های جدید و کشف شهود تازه در عرصه شعر بود» (40). در شعر «آنچه تازه نیست» ابهام تضاد وجود دارد. از آنجا که کتاب طرح دوره پیش از انقلاب سروده شده، نبودن آزادی بیان در این شعر با ترسیم تاریکی و ظلمت نمایان است:

«... فرجام همه راه‌ها به اندوه می‌انجامد/ و سکوت دلیل‌پذیر نمی‌تواند بود/ سکوت خطا نیست اما جذبه ندارد/ سکوت‌ها، پندارها تا مرز رؤیا تاریک و وهم‌انگیزند/ و حقیقت مرده تلاش می‌کند/ سقف هر پناهگاه سفالین و سقوطناپذیر است/ و آسمان آبی نیست/ انباشته از تاریکی است» (41). همان‌گونه که در شعر زیر با نام شعر بیان می‌کند، با تصاویر پراکنده‌ای مواجهیم که معلوم نیست برای بیان چه معنا و مقصودی کنار هم قرار گرفته‌اند؛ زیرا شعر موج نو معناگریز است.

یک شاخه با تصویر پرنده/ یک پرنده با تصویر شاخه/ روی دیوار کنار رودخانه با «چاقو/ چاقوی تیز و رنگ‌پریده حک شده بود/ پرنده تصویر/ از زخم چاقو مرده بود/ شاخه به خون پرنده آغشته بود یک پرنده روی تصویر/ روی دیوار با خون/ با خون رسا/ یک چاقوی تیز و رنگ‌پریده را حک کرده بود/ پرنده تصویر پرپر می‌زد/ دیوار دزدانه نگرست صبح از قفس طلایی بیرون آمد/ رودخانه انباشته از پره‌های روشنایی گردید/ و چاقو به پرواز درآمد» (42).

«... زمین‌ها را شناختم/ آسمان‌ها را دریافتم/ ستارگان را آب فلز ادم/ و خورشید را تا غروب منتظر چشمان تو گذاشتم» (42).

«چشمان تو با برف رؤیا سنگین تر و با خواب من آب شدند/ و من با بوران‌ها در کوچه‌های مردم دویدم» (42).

در شعر «پیوند خواستن» چند تصویر که به ظاهر بی‌ربط‌اند در کنار هم قرار می‌گیرند تا تقابل تاریکی و روشنایی را نشان دهند. «...گلدان‌های شمعدانی به شب تکیه داده و انباشته از پرهای ماه بودند/ در قلب شیشه‌ها و چشم شکوفه‌ها شب راه می‌رفت/ در قفس پرندگان، آوایشان در سفال‌ها ایستاده بود/ زنان، چشمانی گرم و شیرین می‌دویدند/ بر فراز درختان چشمانی گرم و شیرین می‌دویدند/ در ساعت دیواری، زنان و مردان مذاب به زنجیر بودند/ در چشمان پیرمردان و پیرزنان کوچه‌های بن‌بست روزهای می‌دویدند...» (41).

در اینجا نیز ابهام وجود دارد. تصاویر نشان از سلطه سیاهی بر روشنی دارند و در بند بعدی این شعر هم تقابلهایی وجود دارد که خواننده باید، از هوش و ذکاوت خود مدد بجوید. ضمن این‌که امید و روشنی، برای حل و درک آن‌ها مثل ماه پر می‌ریزد و غم و سرما و تاریکی آشکار می‌شود. شکفتن چشمه‌های تکرار در دل این زمین سخت و تاریک باوری متناقض است. در تمام این اشعار احمدی از عناصر و نمادهای طبیعت برای بیان هدفی معین استفاده می‌کند.

تحلیل داستان‌ها با دیدگاه بوم‌گرایانه

آثار داستانی احمدرضا احمدی، به‌ویژه آن‌هایی که برای کودکان نوشته شده‌اند، آکنده از تصویرسازی‌های شاعرانه و طبیعت‌محور هستند. او نه تنها طبیعت را بستری برای روایت‌هایش قرار می‌دهد، بلکه به‌گونه‌ای آن را شخصیت‌پردازی می‌کند؛ طبیعت در داستان‌های او زنده، تأثیرگذار و اخلاق‌ساز است. اینک می‌پردازیم به بررسی آثار ارزشمند وی:

پیرمرد نقاش؛ الگویی اخلاقی از زیست‌محیط‌گرایی

«...گاهی پیرمرد نقاش را می‌دیدند که به ماهی‌های حوض سنگی باغ دانه می‌دهد، به طاووس کنار حوض سنگی غذا می‌داد... گاهی

نقاش پیر به پسران و دختران، نگاه کردن به گل‌ها، پرنده‌ها، آسمان، خورشید و درخت‌ها را یاد می‌داد» (43).

در این روایت، پیرمرد نقاش به‌عنوان نماد خرد جمعی و آموزگار اخلاق محیط‌زیستی تصویر می‌شود. او نه تنها خود با طبیعت مهربان است، بلکه کودکان را نیز به درک و هم‌زیستی با عناصر طبیعت ترغیب می‌کند. احمدی در اینجا با زبان ساده، مفهوم محیط‌زیست انسانی را مطرح می‌کند: این‌که طبیعت بخشی از هستی ماست و کودکان باید آن را بشناسند، مراقبت کنند و با آن ارتباط برقرار کنند.

پناه‌دادن به پرندگان؛ فضیلت اخلاقی در برابر بحران

«...فصل پاییز آمد. در فصل پاییز، باد و باران فراوان بود... کبوترهای سفیدرنگ، قناری‌های زردرنگ، طوطی‌های سبزرنگ از باد و باران پاییزی هراس داشتند و دنبال پناهگاه بودند... پیرمرد نقاش این پرنده‌ها را پناه داد...» (44).

در این داستان، ما با روایتی از بحران محیطی (سرما، باران، باد) روبه‌رو هستیم که حیوانات را تهدید می‌کند. پاسخ اخلاقی انسان، در قالب پیرمرد، پناه‌دادن و مراقبت از موجودات آسیب‌پذیر طبیعت است. این نقطه تلاقی بوم‌گرایی با اخلاق زیست‌محیطی است؛ احمدی به کودکان می‌آموزد که در برابر بحران‌های طبیعی باید مسئولانه رفتار کرد.

پرنده گمشده؛ غم فراق از طبیعت

«هر روز بچه‌ها با پرنده‌هایشان پشت پنجره پسرک می‌آمدند. پسرک آن‌ها را با هم می‌دید و از دوری پرنده‌اش رنج می‌کشید... از هر شاخه‌ای نفرت داشت... پسرک یک روز که از خواب بیدار شد، پرنده‌اش را دید که با پرنده‌ای دیگر پشت پنجره‌اش نشسته بود» (45).

این داستان با زبانی استعاری، درد دوری انسان از طبیعت را بازنمایی می‌کند. در جایی که انسان از طبیعت جدا می‌افتد، دچار سرگشتگی و رنج می‌شود؛ اما با بازگشت آن پیوند (پرنده)، آرامش

و امید بازمی‌گردد. در اینجا پرنده نمادی از بخش ازدست‌رفته روح انسان در عصر صنعتی و مدرن است.

درخت و دریا؛ هویت‌یابی از دل طبیعت

«برادرم گفت: نام تو دریاست... دریا شدم... خواهرم گفت: اسم تو درخت است. درخت شدم...» (45).

احمدی در این روایت، به شکلی شاعرانه از هویت‌یابی انسان از دل عناصر طبیعت سخن می‌گوید. کودک بدون نام (هویت)، با تأیید اعضای خانواده و از طریق پیوند با طبیعت، هویتی اصیل و زیستی می‌یابد. این نگاه، به‌گونه‌ای ژرف در راستای نظریه بوم‌محور است؛ که انسان بدون پیوند با طبیعت، ناقص و سردرگم است.

پسرک دریا و ماهیگیران؛ روشنایی و نجات از دل طبیعت

«پسرک آسمان را نگاه کرد و گفت: ماه همیشه روشن... هنگامی که پسرک نام ماه را گفت، ماه در آسمان رویید... ماهیگیران جاده را دیدند که از کف جاده نمناک ستاره‌ها روییده بود...» (46).

اینجا احمدی با استفاده از اسطوره‌پردازی، طبیعت را منجی انسان در بحران تصویر می‌کند. در لحظه‌ای که راه‌گم‌کردگان نیاز به نجات دارند، آسمان، ماه و ستاره‌ها به یاریشان می‌شتابند. این تصویر، هم حاوی جنبه‌های اسطوره‌ای است و هم بوم‌گرایانه؛ طبیعت از نقش منفعل خارج شده و کنشگر نجات‌بخش می‌شود.

گردش فصول و آشنایی با پدیده‌های طبیعی

«در ماه فروردین در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود و ماه بزرگ و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند... کودکان همه لکه‌ها را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند...» (47).

در این داستان، طبیعت نه تنها آموزگار است، بلکه خود تبدیل به موضوع یادگیری می‌شود. احمدی تلاش می‌کند با زبانی آهنگین و تکرارشونده، کودک را با نظم طبیعت، چرخه فصول و ویژگی‌های کیهانی آشنا کند. این سبک، ترکیبی از تخیل کودکانه و تربیت زیست‌محیطی است.

داستان «اسب و سیب و بهار» خیال‌پردازی با استفاده از عناصر طبیعت

احمدرضا احمدی سبک ویژه‌ای در نوشتن داستان‌های کودکان دارد. داستان‌های او آمیزه‌ای از نثر، شعر و خیال‌پردازی‌های مشخص است. این خیال‌پردازی‌ها به عنصر گمشده‌ای در وجود او برمی‌گردد که برجسته‌ترین آن‌ها کودکی گمشده و دوری از پدر یا خانه پدری است. در بخشی از کتاب اسب و سیب و بهار آمده: «در سیستان، اسب زیر درختی رسید که سیبی سرخ بر شاخه مانده بود. اسب، خیره به سیب بود. اسب با تنه به درخت سیب کوفت. سیب از شاخه درخت رها شد و به روی یال اسب افتاد. اسب دیگر تنها نبود. سیب دیگر تنها نبود.» در آغاز داستان پاییز است و اسبی سفید و باغی که بر درختی از آن سیبی سرخ مانده است. اسب سیب را بر یالش می‌نهد و به کنار دریا می‌برد. در آن مکان سیب از اسب جدا می‌شود و درون جویی می‌افتد تا به گندم‌زار می‌رسد. در آنجا پسرکی آن را می‌یابد. می‌خواهد سیب را گاز بزند که اسب از راه می‌رسد. پسرک سیب را گردن‌آویز اسب می‌کند. زمان می‌گذرد. پس از زمستان بهار از راه می‌رسد و اسب و پسرک در زیر شکوفه‌های سیب چشم بر چرخش رنگ‌رنگ زندگی دوخته‌اند. تنهایی، گذر از تنهایی‌ها و دوستی در پهنای هستی به این داستان معناهای ژرفی بخشیده است.

داستان «نشانی» تخیل و استعاره با استفاده از تصاویر

هم‌چنین نشانه‌شناسی تخیل و استعاره در داستان «نشانی» احمدرضا احمدی خودنمایی می‌کند. نشانه‌شناسی، مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگر اشاره دارد و این نشانه‌ها می‌توانند به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، گونه‌ها و اشیا ظاهر شوند. با خواندن آثار احمدی و ازجمله داستان نشانی، نشاننداری تخیل خودنمایی می‌کند. «تخیل در آثار او، تخیل مدرن و فانتزی است و همین‌طور به دلیل همگامی تخیل و استعاره و ابهام، خواننده در

محور جانشینی با استعاره با معنای مدرن و ابهام و گشودگی متن روبه‌روست» (48).

داستان «همه آن قایق‌های کاغذی» تمثیل با استفاده از عناصر طبیعت

کتاب همه آن قایق‌های کاغذی از احمدرضا احمدی سرشار از تمثیل‌های متنوع است که در کلمات، جملات و حتی کل متن متبلور شده و ضمن گره‌گشایی از آن‌ها، لذت خوانش را دوچندان می‌کند؛ از طرفی سمبل‌هایی مثل رنگ‌ها، زمان و عناصر طبیعت نقش مهمی در ساخت تمثیل اصلی داشته‌اند.

در داستان «همه آن قایق‌های کاغذی» احمدرضا احمدی تمثیل طبیعی (دریا، آب، باد، بهار، باران) خاستگاه این نوع تمثیل‌ها پدیده‌های زیست‌محیطی زندگی انسان است که یکی از پربسامدترین‌های حوزه‌های شناختی در این کتاب محسوب می‌شود. شروع داستان با تمثیل طبیعت است؛ دریا در این داستان نماد کل است، یعنی وجودی که همه‌جا را در برمی‌گیرد. دریا تصویری از جهانی آرمانی است. جهانی که انسان خودش را در آینه او می‌بیند. در این کتاب دریا نماد مهربانی است. دریا از آب ساخته شده و آب نماد «پاکی و حرکت» است و از طرفی پسرک به‌عنوان شخصیت محوری داستان در ساحل نشسته و ساحل حلقه اتصال مردم با دریاست. در این داستان باد نماد «قاصد و پیک» است. وقتی پسرک در ابتدای داستان قایق‌ها را می‌سازد در ساحل باد آرام‌آرام می‌وزد و قایق‌ها را از ساحل دور می‌کند. در این داستان باد در ابتدا نماد ناپایداری و بی‌ثباتی است اما در انتهای داستان تبدیل به آورنده قایق‌ها می‌شود که حال مردم را بهتر می‌کند. آن شب بهاری باران تا صبح بر خانه‌ها باریده بود. آن شب بهاری ساحل‌نشینان از صدای باد و بار تا صبح بیدار مانده بودند (49). بهار سمبل، طراوت و شادابی است. بهار آغاز رویش و روییدن است. شب نماد آرامش و سکون است. در این داستان نسیم آورنده خبر و پیام‌آور مهر و مهربانی است. تمثیل گیاهی قاصدک، گندم،

پرتقال، انگور، گل سرخ، گل یخ، گل بنفشه و سمبل‌های گیاهی که ریشه در باورهای اساطیری دارند. «رنگ سبز از محبوب‌ترین رنگ‌هاست. این رنگ نشانه طبیعت، تعادل و بهنجاری است. سبز امید و زندگی را تداعی می‌کند و نمادی از رشد و امید و باروری است» (50). این قایق دانه‌های گندم و شاخه‌های انگور می‌آورد. گندم نشانه باروری و زایش و برکت است و در این داستان گندم‌ها و انگورها هم که نماد سرمستی و شادابی است، توسط ساحل‌نشینان کاشته می‌شوند.

گل سرخ، گل یخ و نشا گل‌های بنفشه و همه چیزهایی که نویسنده در این بخش از آن نام برده، سمبلی از زندگی، رویش، عشق و محبت واقعی، زیبایی و طراوت است و گل سرخ سمبل کمال است و گل یخ سمبل استقامت و استواری، نشا گل‌ها سمبل رویش و سرسبزی است.

قایق زرد با خود درختچه‌های جوان پرتقال و لیمو و نارنج که سمبلی از نماد طراوت و امید و رویش هستند، آورده است. زرد درخشان‌ترین رنگ شناخته‌شده است که نشانه نور و روشنی است و به دلیل ارتباط نزدیکی با خورشید نمادی از معرفت و دانایی است. «خورشید و اشعه طلایی آن نماد حقیقت و نور خداست» (51). احمدرضا احمدی در ساخت تمثیل‌های خود از باورهای مردم و نیز آداب و رسوم‌ها بهره برده و داستانش حول محور همین تمثیل پرداخته می‌شود.

داستان «دخترک، ماهی، تنهایی» و «پروانه روی بالش من به خواب رفته بود»

داستان «دخترک، ماهی، تنهایی» ماجرای دخترکی تنها و غمگین است که با پدر و مادرش در ساحل زندگی می‌کند. شبی دخترک ماهی سفیدی را در خواب می‌بیند. جمعه موج دریا ماهی سفیدی را به کلبه آن‌ها می‌آورد. دخترک ماهی نیمه‌جان را به دریا می‌اندازد. او هر روز برای دیدن ماهی سفید به کنار دریا می‌رود؛ اما از آن خبری نیست. فصل پاییز و زمستان می‌گذرد و بهار می‌شود.

دخترک با نی‌لبکی سفید کنار دریا می‌نوازد. نی‌لبک آرام‌آرام زردرنگ می‌شود و ماهی سفید درحالی‌که بدنش زردرنگ شده است، به روی آب می‌آید. نی‌لبک سفید هم‌زمان با نواخته شدن رنگی می‌شود، تا این‌که یک روز جمعه، ماهی دو جام طلایی و نقره‌ای به دخترک می‌دهد؛ دخترک با فروبردن دستانش درون آن‌ها از هریک از انگشتان دست راستش گلی می‌روید و از هریک از انگشتان دست چپش صدای سازهای گوناگون به گوش می‌رسد، دیگر تنهایی دخترک به پایان می‌رسد. او هر روز با پنج انگشت دست راستش زمین را از کلبه تا کنار دریا شخم می‌زند و جای انگشتانش گل‌های اطلسی، لادن و... می‌روید. کلبه دیگر برای دخترک دلگیر نیست و...

احمدی در قالب داستان چقدر عناصر طبیعت را زیبا توصیف کرده است. هم‌چنین محبت به حیوانات، محافظت از محیط‌زیست و پرورش و نگهداری از گل و گیاهان را به‌طور غیرمستقیم و بسیار جذاب و اثرگذار بیان می‌کند، به‌گونه‌ای که قهرمان داستان که دخترکی غمگین است، در پایان داستان دل‌تنگی، افسردگی و تنهایی را فراموش می‌کند و با انگیزه به زندگی ادامه می‌دهد. در داستان احمدی گذر زمان، رنگ‌ها، اثربخشی موسیقی، طبیعت و محیط‌زیست، فصل‌ها همه با کلامی بسیار گیرا خودنمایی می‌کند. هم‌چنین خوانندگان نهفته آثار احمدی، کودکانی اندیشمند و توانا با تخیلی ناب و روحی کنجکاو هستند که می‌توانند از زیبایی‌های متن لذت ببرند و به کشف مفاهیم نهفته در آن بپردازند. ژرفای آثار او می‌تواند نوجوانان و بزرگسالان را نیز به خواندن داستان‌های او برانگیزد و لذت مخاطبان سنین دیگر را به دنبال آورد. وی در این دو داستان با استفاده از نمادهای طبیعت، مفاهیم نهفته‌ای را در قالب تمثیل مطرح می‌کند که خواننده با انگیزه بیش‌تری داستان را دنبال می‌کند. درون‌مایه داستان‌های احمدی مسائلی چون پرسشگری کودک راهی برای شناخت بهتر جهان، افسردگی و

اندوه ناشی از تنهایی و تأثیر آن در مخاطب کودک، غنیمت شمردن فرصت‌ها و لحظات زندگی و... را بیان می‌کند. در داستان «پروانه روی بالش من به خواب رفته بود» داستان از جمعه آغاز می‌شود. در این روز مادر راوی به او ذره‌بین می‌دهد. راوی هر روز پیوسته، پیرامونش را از پشت ذره‌بین می‌نگرد و دیده‌هایش را در قالب قطعاتی منفرد، جداگانه و متوالی روایت می‌کند. او در پایان روایت‌هایش، ذره‌بین را می‌شوید و درنهایت دیده‌ها و پندارهای خیال‌انگیز راوی، در روز جمعه به پایان می‌رسد.

سبک این داستان، از نوع تصویرسازی است. داستان «پروانه روی بالش من به خواب رفته بود» آکنده از تصاویر خیال است. ماهیت وجودی و اساس شکل‌گیری تصویر این داستان بر پایه تصویرسازی است. اما فضای خیال‌انگیز حاکم بر داستان و صمیمیت راوی خواننده را به دنبال خود می‌کشاند.

بر این اساس داستان‌های کودکانه احمدی سرشار از نمادهایی است که اگر به‌دقت تبیین شوند می‌توانند ما را در راه رسیدن به درکی متفاوت و ژرف از داستان هدایت کنند. هم‌چنین احمدرضا احمدی در «داستان کبوتر سفید کنار آینه» نشان می‌دهد که این داستان در پی رسیدن و رسانیدن کودک به فردیت است. در این داستان کودک با آغاز و به پایان بردن سفری که بی‌شبهات به گذر از معصومیت و کسب تجربه و رسیدن به معصومیتی نظام‌مند نیست، فرایند فردیت خویش را کامل و به وحدت خودآگاهی و ناخودآگاهی می‌رسد. احمدی از عناصر طبیعت برای تبیین و القای مفاهیم متعالی و اخلاقی استفاده می‌کند.

از آنجایی‌که فانتزی، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین قالب‌های ادبی کودکان و نوجوانان است که به نویسنده، امکان می‌دهد با خلق فضایی خیال‌انگیز، رمزآلود، هراس‌آور، جادویی و تخیلی، مخاطب خود را درگیر تجارب شگفت‌انگیز کند تا علاوه بر لذت، به تعریف جدیدی از جهان هستی برسد (52). احمدرضا احمدی

از سال ۱۳۴۸ با کتاب «من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید» تا «کبوتر سفید کنار آینه» سال ۱۳۸۹، دست به خلق آثار گوناگونی در زمینه ایجاد فانتزی زده است که برخی از ویژگی‌های آن، مانند ساختارشکنی، آفرینش واقعیت‌های خیالی، پیش‌بینی‌ناپذیری، آشنایی‌زدایی، نسبی‌گرایی، بازی‌های زبانی و... است. بدیهی است زیبایی‌های نهفته در اثر احمدی و پیوند کودکان‌های احمدرضا احمدی و شعر موج نو او، بر کسی پوشیده نیست.

نتیجه‌گیری

تحلیل شعرها و داستان‌های احمدرضا احمدی نشان می‌دهد که طبیعت در آثار او نه تنها یک پس‌زمینه روایی، بلکه عنصری فعال، اثرگذار و گاه نقش‌آفرین در شخصیت‌پردازی است. نگاه احمدی به طبیعت، نگرشی عاطفی، اخلاقی و اسطوره‌گرایانه است؛ به گونه‌ای که طبیعت در آثار او منبع شناخت، هویت، آرامش و تربیت تلقی می‌شود. احمدی با بهره‌گیری از تصویرهایی چون «پیرمرد نقاش»، «پرندۀ گمشده» و «پسرک دریا»، تلاش دارد مخاطب، به‌ویژه کودکان را به تأمل در پیوند خود با جهان طبیعی و پذیرش مسئولیت نسبت به آن فرا بخواند. این پیام‌ها از طریق زبان شاعرانه، تصویرسازی خیال‌انگیز و بیانی ساده و کودکانه منتقل می‌شوند و از زبان شعاری فاصله دارند. احمدی از طریق تخیل، روایت‌پردازی و نمادسازی، نوعی «ادبیات بوم‌محور» خلق کرده که در آن، طبیعت نه تنها موضوع، بلکه بستری برای درک انسانی و نجات‌بخشی در شرایط بحرانی است. او رابطه‌ای زیبا، صلح‌آمیز و امیدبخش میان انسان و طبیعت را ترسیم می‌کند.

البته طبیعت در داستان‌های احمدی، گاهی در معنای غیرواقعی خود به کار گرفته می‌شود. نمادها و عناصر طبیعت بر صور خیال، زبان، شخصیت‌پردازی و حوادث داستان به‌طور مستقیم تأثیر گذاشته است. او در شعر است که باعث تعدیل معنایی به انسان و

طبیعت می‌شود، حرکتی که با ذهن نوگرای شاعر حضوری ملموس دارد.

می‌توان گفت احمدرضا احمدی به‌عنوان یک شاعر نوگرا در مجموعه آثار خود، از ترکیب رنگ‌ها و واژه‌ها، تمثیل‌هایی را برای کودکان و نوجوانان خلق کرده که نه تنها آن‌ها را به لذت خوانش سوق می‌دهد، بلکه توجه مخاطب را به سمت زیرساخت متن جلب می‌کند. کتاب «همه آن قایق‌های کاغذی» وی سرشار از تمثیل‌های گوناگون است که در کلمات، جملات و کل متن متبلور شده و ضمن گره‌گشایی از آن‌ها، لذت خوانش را دوچندان می‌کند؛ هم‌چنین تمثیل‌های احمدرضا احمدی، از یک سو در کلمات از بسامد بیش‌تری برخوردار است و از سوی دیگر در جمله و کل متن، رابطه معناداری با روساخت داستان دارد. هم‌چنین سمبل‌هایی مثل رنگ‌ها، زمان و عناصر طبیعت نقش مهمی در ساخت تمثیل اصلی وی داشته‌اند.

بدیهی است احمدرضا احمدی چهره‌ای شاخص در گستره شعر موج نو و شعر حجم نیز است. او در داستان‌های خود به مسائل گوناگون آموزشی و اخلاق بنیادی اشاره کرده و برای بازنمایی این موضوعات به‌طور مطلوب از تکنیک‌های گوناگون بهره برده است. احمدی با به‌کارگیری مؤلفه‌هایی مانند «معرفی الگوی عملی»، «مقابلۀ شخصی کودک با موقعیت‌های اخلاقی و غیراخلاقی»، «تقویت و تثبیت رفتار اخلاقی» و «به‌کارگیری بازی وانمودی»، مجموعه‌ای متنوع از مسائل اخلاقی و تربیتی مانند همکاری و کمک به یکدیگر، احترام به حیوانات، صلح‌جویی، محبت ورزیدن به هم‌نوع، هویت‌جویی و بازگشت به خویشتن واقعی را برای مخاطبان کودک خود، ترسیم و بازگویی کرده است. در این بین احترام به حیوانات بارها در داستان‌های مختلف او تکرار شده است که بیانگر دغدغه اصلی نویسنده برای فرهنگ‌سازی در زمینه محیط‌زیست و طبیعت است.

همچنین در شعر احمدی احساس‌ها و تجربه‌های شخصی شاعر قبل از واژه‌ها و معنا شکل می‌گیرند. تصاویر شعری، فقط توصیف ظاهر چیزها نیستند، بلکه حال‌وهوا و حس درونی شاعر را نشان می‌دهند. عناصری مثل سرمای یخ، رطوبت شب‌های بندر، سایه درختان و حرکت اشیا در خیابان نمونه‌هایی از تجربه‌های واقعی و حسی شاعر هستند که خواننده را به فضای ذهنی و احساسی او نزدیک می‌کنند. لذا طبیعت و تصویرهای شعری بازتابی از تجربه‌های زیسته و احساس‌شده او هستند (11).

همان‌طور که پیش از این بیان کردیم احمدی از نمادها و عناصر طبیعت در معنای غیرواقعی خود استفاده می‌کرد. میوه‌های شعر احمدی طعمی عجیب و گاه تلخ دارد و در شعرهایش، تصویر و گفتار بر روی هم انباشته شده و زمان و مکان در چنین موقعیتی به مانند کوه‌های امواج درهم می‌غلطند و اشیا را به این سو و آن سو می‌کشند. البته وی، از شگفتی‌سازی‌های کلامی، به صورتی بسیار گسترده بهره می‌برد.

در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق مبنی بر این‌که طبیعت و زیست‌بوم تا چه اندازه در آثار احمدی بازتاب یافته‌اند و دغدغه‌های زیست‌محیطی او کدام‌اند؟ در میان عناصر تشکیل‌دهنده داستان‌ها و اشعار احمدرضا احمدی ازجمله: هسته اصلی، شخصیت‌پردازی، زمینه، روایت و گفت‌وگو، باید گفت که در نقد بوم‌گرا، عنصر زمینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و محیط‌زیست و طبیعت، به‌عنوان بخش‌هایی اساسی از زمینه یک اثر ادبی در تحلیل بوم‌گرایانه نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ زیرا رابطه دیگر عناصر داستان با این محیط، ابزار کار منتقد بوم‌گرا را شکل می‌دهد. استعاره و اسطوره دو مکانیسم درهم‌تنیده هستند که در خلق و درک اشعار احمدرضا احمدی نقشی بسزا ایفا می‌کنند. این

literary tradition, and representations of nature have historically served aesthetic, symbolic, philosophical, ethical, and cultural functions in Persian poetry and prose. From classical

دو مفهوم به‌عنوان ابزارهایی بیانی و شناختی، در خدمت وی قرار گرفته‌اند تا او را در انتقال تجربیات و حالات درونیش یاری دهند. تحلیل اشعار و داستان‌های وی نشان می‌دهد که استفاده از استعاره و اسطوره در سروده‌هایش، بازتابی از درک وی از جهان، طبیعت و محیط‌زیست و تلاش برای بیان تجربیات ذهنی و روحی خود است. نتایج نشان می‌دهد که مضامین بوم‌محور، همچون احترام به عناصر طبیعی، ترویج مهربانی با حیوانات، حفظ زیبایی‌های طبیعی و انتقال مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی به نسل آینده، جایگاهی محوری در آثار او دارند. طبیعت در آثار احمدی، پناهگاهی برای آرامش، آموزگاری برای خرد و همراهی برای رسیدن به آزادی و امیدواری است. او از نمادها و عناصر طبیعت گاه در معنای واقعی خود و اغلب در معنای غیرواقعی و مجازی استفاده کرده است؛ اما در همه حال به‌گونه‌ای تأثیرگذار و غیرمستقیم با بهره‌گیری صنایع ادبی همچون تمثیل، استعاره، صور خیال، هنجارگریزی، آشنایی‌زدایی و... مخاطب را به احترام و حفاظت از محیط‌زیست و اخلاق انسانی فراخوانده است. در خاتمه داستان‌های کودکانه احمدرضا احمدی به یکی بودن انسان و طبیعت از منظر بوم‌گرایی اشاره می‌کند؛ گویی این‌که داستان‌پرداز این باور را در خلق داستان‌هایش مبنا و الگوی ساختی خود قرار داده است. «به پایان آمد این دفتر، حکایت هم‌چنان باقی است» (16). هنوز در آثار احمدرضا احمدی ناگفته‌های بسیاری وجود دارد که نیاز به پژوهش‌های اساسی و بنیادی بیش‌تری دارد...

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The relationship between literature and the natural environment has constituted a persistent and influential dimension of Persian

poetic descriptions of gardens, seasons, mountains, rivers, plants, and celestial phenomena to contemporary literary engagements with environmental degradation and ecological anxiety, nature has remained deeply embedded in the Iranian literary imagination. In contemporary Persian literature, however, the function of nature has undergone significant transformation: rather than serving merely as a decorative background or conventional repository of poetic imagery, natural elements increasingly participate in the construction of social, psychological, ethical, and environmental meanings. Ecocriticism provides an appropriate theoretical framework for examining this transformation because it investigates the complex relationships between literature, culture, human beings, and the physical environment and considers the ways in which literary discourse shapes environmental attitudes and reflects ecological concerns (6, 27). Ecocritical approaches also emphasize that literature may contribute to environmental awareness by challenging anthropocentric assumptions, foregrounding the agency and intrinsic value of nonhuman nature, and reconsidering the ethical dimensions of human interactions with ecosystems (26, 28). Persian literature possesses significant potential for such analysis because environmental consciousness, reverence for natural elements, and symbolic representations of water, plants, animals, and celestial bodies

have deep cultural and literary roots in Iranian civilization (3, 8). Contemporary studies similarly demonstrate that nature remains a substantial component of Persian poetic imagination and that environmental and geographical conditions can influence literary representation, poetic language, and cultural identity (1, 9). Against this theoretical and historical background, the present study examines the reflection of nature and the environment in the works of Ahmad Reza Ahmadi, one of the prominent figures associated with the New Wave of contemporary Persian poetry, with particular emphasis on the environmental, symbolic, ethical, and aesthetic functions assigned to natural phenomena in his poetry and stories.

Ahmad Reza Ahmadi's literary position makes his works particularly suitable for an ecocritical investigation because his poetry and children's narratives combine innovative language, surreal imagery, ambiguity, fantasy, symbolism, and unconventional relationships among objects, human beings, and natural phenomena. Ahmadi's literary language frequently destabilizes ordinary distinctions between the human and nonhuman worlds: flowers, birds, trees, rain, snow, the sea, the moon, sunlight, clouds, gardens, and seasons do not remain passive elements of setting but interact with human emotions, memory, loneliness, hope, loss, identity, and liberation. Research on Ahmadi's poetry has emphasized the importance of lived experience and sensory perception in his literary construction

of nature, suggesting that natural images are frequently manifestations of personal experience rather than merely ornamental poetic conventions (11). His work is also characterized by ambiguity and semantic openness, which provide readers with multiple interpretive possibilities and contribute to the distinctive aesthetic structure of his poetry (40). These characteristics are especially relevant from an ecocritical perspective because they allow natural phenomena to acquire independent symbolic and emotional functions. More broadly, studies of contemporary Persian poetry indicate that ecological context, locality, and geographical experience contribute to poetic identity and environmental representation (13, 25). In Ahmadi's works, this relationship is intensified through an imaginative mode in which nature may become a companion, teacher, refuge, source of memory, or even an active agent capable of transforming human experience. His use of metaphor and symbolic imagery also establishes correspondences between environmental phenomena and psychological states, a pattern consistent with analyses of symbolic natural elements in Persian literature (10, 20). Therefore, this study addresses two principal questions: to what extent are nature and ecological concerns reflected in Ahmadi's literary works, and what specific environmental concerns and ecologically oriented values can be identified in his poetry and stories? By addressing these questions, the research seeks to clarify the position of Ahmadi's works

within contemporary Persian environmental literature and to demonstrate how literary innovation can intersect with ecological awareness.

This qualitative study was fundamental in purpose and employed a descriptive-analytical method based on textual and library research. The primary corpus consisted of selected poems and stories by Ahmad Reza Ahmadi, including works published across several decades of his literary career, with particular attention to texts in which natural elements, environmental settings, animals, plants, seasons, celestial phenomena, and relationships between human beings and their surroundings were especially prominent. Ahmadi's own published poetry and children's literature constituted the principal textual materials for analysis (34, 35, 38, 39, 41-47, 49). Data were extracted through systematic note-taking and close reading and were subsequently categorized according to recurrent environmental motifs, symbolic functions, ethical implications, and the role of setting within the narratives. The analytical framework drew on ecocritical theory, particularly the conception of ecocriticism as the study of relationships between literature and the physical environment and the examination of how cultural texts represent human interaction with nature (6, 23). The study also considered the importance of setting as a constitutive narrative element rather than merely a descriptive background, because in ecocritical interpretation the

environment frequently influences characterization, narrative development, symbolic meaning, and the ideological organization of literary texts (29, 30). Secondary materials included scholarly books, articles, theses, electronic academic resources, and previous studies related to nature, environmental criticism, Persian literature, Ahmadi's poetics, fantasy, symbolism, and contemporary ecological writing. Particular attention was paid to preserving the distinction between literal representations of natural phenomena and metaphorical or symbolic uses of nature, since Ahmadi frequently moves between realistic environmental description and surreal or figurative transformation of natural objects.

The findings concerning Ahmadi's poetry indicate that nature constitutes one of the central semantic and imaginative resources through which he articulates emotional, existential, and social experiences. His natural imagery is rarely limited to objective description; rather, it is repeatedly transformed into a medium for representing memory, loneliness, longing, confinement, hope, renewal, and the search for freedom. Images such as flowers, trees, sunlight, snow, rain, clouds, gardens, the sea, birds, and seasons become carriers of psychological and ethical meaning. This tendency is consistent with studies emphasizing that contemporary poets employ nature not only for aesthetic representation but also as an expressive structure through which environmental and

human realities are interconnected (18, 19). Ahmadi's poetic language further intensifies this relationship through ambiguity, defamiliarization, semantic deviation, juxtaposition, metaphor, and surreal imagery. In many poems, environmental elements participate directly in the formation of meaning: sunlight may signify awakening, a cage may represent limitation while simultaneously evoking the absent freedom of birds, seasons may represent cyclical transformation, and flowers may function as manifestations of vitality, love, fragility, or spiritual renewal. His imagery thus resonates with the symbolic role of natural phenomena identified in studies of Persian literary tradition (10). The contrastive structure of Ahmadi's poetry—particularly oppositions such as light/darkness, presence/absence, departure/return, freedom/confinement, and life/death—also facilitates the ecological function of natural imagery by presenting the environment as dynamically involved in human experience (37). At the same time, the sensory qualities of his poetry, including references to cold, humidity, snow, trees, streets, flowers, and seasonal transformation, reinforce the significance of lived environmental experience (11). Consequently, the natural world in Ahmadi's poetry functions simultaneously as aesthetic material, emotional landscape, symbolic language, and an indirect medium for encouraging attentiveness to environmental existence.

The analysis of Ahmadi's stories, particularly his works for children, revealed an even more explicit ethical and educational dimension in his representation of the environment. Nature in these narratives frequently operates as an active participant in the story rather than an inert setting. Animals require protection, birds seek shelter, flowers and trees participate in processes of emotional healing, the sea and celestial bodies guide or rescue characters, and seasonal change provides children with opportunities to observe and understand the rhythms of the natural world. This narrative orientation closely corresponds to ecocritical conceptions that challenge the assumption that nature exists solely for human use and instead emphasize ethical relationships between human and nonhuman beings (7, 26). The recurring motif of kindness toward animals is particularly significant. In several narratives, adult figures model environmental responsibility by feeding birds and fish, protecting vulnerable animals, and teaching children to observe flowers, trees, the sky, and other living elements of their surroundings. Such representations transform environmental ethics into an accessible form of literary education. Ahmadi's children's stories also frequently employ fantasy and metaphor to make environmental relationships emotionally compelling. Previous scholarship has identified fantasy as an important component of his children's literature, where imaginative transformation, defamiliarization, and symbolic construction create openness to

alternative conceptions of reality (48, 52). In stories involving the sea, paper boats, plants, wind, rain, fruits, and seasonal transformation, natural elements become symbols of generosity, movement, fertility, renewal, hope, endurance, and companionship. The use of vegetal and chromatic symbolism similarly connects environmental phenomena to culturally embedded symbolic meanings (50, 51). These findings suggest that Ahmadi's ecological imagination is particularly effective because environmental responsibility is not communicated through direct didactic statements; instead, it emerges through narrative situations, emotional identification, symbolic imagery, and relationships between children and the natural world. His works therefore combine environmental ethics with literary pleasure and encourage readers to recognize nature as a living, meaningful, and morally significant dimension of existence.

In conclusion, the study demonstrates that nature and the environment occupy a central and multidimensional position in Ahmad Reza Ahmadi's poetry and stories. Nature in his works is simultaneously a source of imagery, an emotional and psychological landscape, a symbolic system, an ethical presence, an educational medium, and an active participant in narrative development. His literary treatment of the natural world moves beyond conventional descriptive nature poetry and establishes a dynamic relationship between human experience and ecological existence. In his poetry, natural elements frequently

express states of loneliness, memory, hope, confinement, renewal, and liberation, while in his children's stories they acquire ethical and pedagogical functions that encourage kindness toward animals, protection of living beings, appreciation of natural beauty, and responsibility toward the environment. Ahmadi repeatedly constructs situations in which human well-being depends on renewed contact with nature, while separation from the natural world produces loneliness, disorientation, or emotional impoverishment. His imaginative use of metaphor, allegory, fantasy, ambiguity, defamiliarization, symbolism, and surreal imagery allows ecological meanings to emerge indirectly and aesthetically rather than through explicit instruction. The findings therefore indicate that Ahmadi's works can be understood as an important manifestation of ecologically oriented contemporary Persian literature. His literary world presents nature as a refuge for tranquility, a source of wisdom, a companion in moments of suffering, and a pathway toward hope and liberation. Most importantly, his works suggest an understanding of human identity that is inseparable from the natural world and emphasize that meaningful coexistence with nature requires respect, care, empathy, and environmental responsibility. From this perspective, Ahmadi's poetry and children's narratives contribute to the development of ecological awareness by transforming environmental values into memorable literary experiences and by inviting

readers, particularly younger audiences, to perceive the relationship between humanity and nature as one of interdependence rather than domination.

References

1. Bazdar M, Nourani SM, Kiani S. Representation of Nature in Persian Poetry. Fifteenth International Conference on Management and Humanities Research in Iran; Tehran, Iran 2023. p. 1048-62.
2. Karimi S. Evaluation of the Effect of Bioremediation on Industrial Waste. Second International Conference on Research in Agriculture and Environment 2023. p. 1-5.
3. Tishehyar M. Environmental Conservation in Iranian Myths: A Look at the Shahnameh. Parsiban dar Gostareh-ye Adab va Farhang 2024.
4. Radmanesh SM. Metaphor and Reality: The Meaning and Application of These Two Terms in Literature across Different Periods. Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran. 1994(4):74-91.
5. Khorshidian A. The Worldview of Asho Zoroaster. Tehran: Forouhar Publishing; 2008.
6. Parsapour Z. Ecocriticism: A New Approach in Literary Criticism. Literary Criticism Quarterly. 2012;5(19):7-26.
7. Heidari Tamarabadi S, Parsanasab M, Bagheri B, Bayat H. A Critique of the Application of Ecocriticism in the Persian Short Story. Literary Criticism Quarterly. 2024;17(67):185-224.
8. Mirbalouchi Z, Jalalian A, Behboudian B. Explaining the Rights of Environmental Elements and Their Reflection in the Nature Imagery of the Shah Tahmasp Shahnameh. Journal of Islamic Art Studies. 2022;19(45):596-615.
9. Tavoosi S. The Sorrow of the Earth: Environment in Contemporary Iranian Poetry. Tehran: Aftab Karan Publishing; 2021.
10. Koushesh R, Kaffashi AR. A Comparative Study of the Symbolism of Natural Elements in the Shahnameh. Journal of Mystical Literature and Mythological Studies. 2011;7(24):129-56.
11. Babaei M-N, Mozaffari S. Lived Experience and the Presence of Nature in the Poetry of Ahmadsheza Ahmadi. Fifteenth International Conference on Language, Literature, History, and Civilization 2025.
12. Shahbazi F, Tadini M, Pakdel M, Mansouri S. An Ecocritical Reading of Moniru

- Ravanipour's Novel 'Ahl-e Ghargh'. Literary Text Research Quarterly. 2022;26(94):235-62.
13. Eydani S, Najarian MR. Native Literature and Nativism. Seventh International Conference on Studies and Literature in the Islamic World 2022.
14. Jafari AA. Assessment of Genetic Diversity for Forage Yield and Quality in Perennial Ryegrass (*Lolium perenne*) Half-Sib Families under Spaced and Dense Planting Conditions. Iranian Journal of Agricultural Sciences. 2002;4(1):9-24.
15. Ghanavati F. Nativism in the Poetry of Contemporary Poets of Khuzestan [Master's thesis]: Payame Noor University of Khorasan; 2012.
16. Shakiba P. Persian Poetry from the Beginning to the Present. Tehran: Hirmand Publishing; 1994.
17. Boroujerdi M. Iranian Intellectuals and the West. Tehran: Farzan Rooz Publishing; 2020.
18. Shah-Hosseini M. Nature and Poetry: Conversations with Poets. Tehran: Mahnaz Publishing; 2015.
19. Baghinnejad A. A Reflection on Contemporary Literature, Vol. 1: History, Analysis, and Criticism of Contemporary Persian Poetry from the Constitutional Revolution to the 2000s. Tehran: Parseh Translation and Publishing House; 2017.
20. Hajiabadi M. A Study of the Symbolic Manifestations of Nature in the Poetry of Houshang Ebtehaj. International Conference on Oriental Studies 2016.
21. Asadpour K, Aghapour A. The Impact of the Environment on the Creation of Literary Works with Emphasis on the Divan of Saket Isfahani and Poets' Emphasis on Environmental Preservation. Second National Conference on Environment, Energy, and Biological Defense 2014.
22. Zolfaghari H. Fundamentals of Environmental Studies. Kermanshah: Razi University Press; 2021.
23. Parsapour Z. Ecocriticism: Literature and Nature. Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies; 2013.
24. Rakaei F, Hashkavani F. Metaphor and Ecocriticism: A Case Study of the Short Stories 'Gileh Mard' and 'Az Kham-e Chambar'. Linguistic Studies. 2016;7(1):89-103.
25. Kianpour M, Feyazi MS. Environmental Themes in Gilaki Poetry Based on the Ecocritical Approach. Contemporary Persian Literature. 2017;7(3):43-69.
26. Benson J. Environmental Ethics. Vahabzadeh A, editor. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Mashhad Branch; 2014.
27. Zolfagharkhani M. Ecocriticism and Its Manifestation in the Works of Nima Yushij and Ralph Waldo Emerson. Journal of Foreign Language and Literature Criticism. 2020(24):247-75.
28. Adib-Rad N, Yousef-Fam A, Jafariyeh M. The Impact of Different Temporal Ecosystems in the Poetry of Sohrab Sepehri and Manouchehr Atashi from an Ecocritical Perspective. Journal of Environmental Education and Sustainable Development. 2021;9(3).
29. Mirsadeghi J. Elements of Fiction. Tehran: Sokhan Publishing; 2013.
30. Allott M. The Novel According to Novelists. Haqqshenas AM, editor. Tehran: Markaz Publishing; 2014.
31. Rezaei M, Sargazi A. Assessment of the Effects of Artificial Recharge Implementation on the Goharkuh Plain Aquifer. Quarterly Journal of Earth Sciences. 2010;19(76):9.
32. Doustkhah J. A New Scholarly Edition of an Ancient Text: A Mirror Reflecting the History and Society of Iran through the Ages. Jahan-e Ketab. 2009(248-250):38.
33. Mo'ezz Jami MM. Heroic Literature: A Study of Ancient Iranian Literature from Zoroaster to the Arsacids. Tehran: Qoqnoos Publishing; 2009.
34. Ahmadi A. We Are on the Earth. Tehran: Avanevesht Publishing; 2015.
35. Ahmadi A. The Footprints of Lovers Remain in the Snow. Tehran: Chelcheleh Publishing; 2017.
36. Biranvand Rouzhman M. A Review of the Life and Works of Ahmadreza Ahmadi, Iranian Poet and Writer. 2023.
37. Talebian Y, Sarfi M, Sharifpour E, Kasi F. Binary Oppositions in the Poetry of Ahmadreza Ahmadi. Persian Language and Literature Research Journal (Gohar-e Gouya). 2009;3(4):21-34.
38. Ahmadi A. Design. Tehran: Avanevesht Publishing; 2020.
39. Ahmadi A. Bird. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2016.
40. Iranzadeh N, Jafarmanesh M. Revisiting Ambiguity in Ahmadreza Ahmadi's Poetry Collection 'Design' Based on Empson's Theory. Journal of Linguistic and Rhetorical Studies. 2023;14(33):33-60.
41. Ahmadi A. Collection of All Those Years. Tehran: Markaz Publishing; 1992.
42. Ahmadi A. All My Poems. Tehran: Cheshmeh Publishing; 2008.

43. Ahmadi A. Selected Poems. Tehran: Bazr-e Kherad Publishing; 2019.
44. Ahmadi A. The Large Abandoned Old Garden. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2014.
45. Ahmadi A. The Good Time of Hardships. Tehran: Avanevesht Publishing; 2016.
46. Ahmadi A. The Boy Looked at the Sea. Tehran: Neyestan Publishing; 2010.
47. Ahmadi A. The White Dove and the Mirror. Tehran: Nazar Publishing; 2009.
48. Kasi F, Basiri MS. Semiotics of Imagination and Metaphor in Ahmadreza Ahmadi's Short Story 'Neshani'. Literary Techniques. 2017;9(1):53-62.
49. Ahmadi A. All Those Paper Boats. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults; 2005.
50. Esmaeilpour A. Myth: A Symbolic Expression. Tehran: Sahar Publishing; 2008.
51. Ghasemi R. The Color That Governs Culture. Qom: Dar al-Elm Publishing; 2010.
52. Mohammadi A, Rouzbehani A. Fantasy in 'I Have Seven Days of the Week': One of Ahmadreza Ahmadi's Works for Children. Journal of Children's Literature Studies. 2012(5):87-108.